

بسمه تعالی

# زبان انگلیسی دوازدهم

(ویژه همه رشته ها)

## استاد علی پناه یزدان

مدرس صدا و سیما

دارنده درصد ۱۰۰ کنکور

نمره ۲۰ امتحان نهایی زبان

جوانترین مدرس و مولف سه جلد کتاب

در زمینه امتحان نهایی و کنکور منحصراً زبان

قیمت: ۴۹۰ هزار تومان

### فهرست

نمونه سوال آموزشی (یادگیری سوال محور) ..... صفحه ۰۲

جزوه درسی ..... صفحه ۱۶

	<p style="text-align: center;"><b>نمونه سوال آموزشی زبان انگلیسی (۳)</b>  <b>ویژه آزمون ترمیم معدل - نهایی زبان انگلیسی</b>  <b>کاری از علی پناه یزدان - جوان ترین مولف و مدرس زبان</b></p>	
۳	<p><b>Listening</b></p> <p>دانش آموز عزیز به فایل صوتی شماره ۱ به دقت گوش دهید و سپس به سوالات به شکل خواسته شده پاسخ دهید. (برای دریافت فایل شنیداری به انتهای کتابچه مراجعه کنید)</p> <p>1. The man has taken the laptop to the computer shop.      a) True    b) False</p> <p>2. She wants to hit someone in the head.                      a) True    b) False</p> <p>3. The woman would buy a new laptop if ..... .</p> <p>4. Why does the woman want to throw the laptop out the window? Because..... .</p>	۱
	<p>۱. (آن) مرد لپتاپ را به فروشگاه کامپیوتر برده است.      الف) درست    ب) غلط </p> <p>+اولاً فائمه باید لپتاپو میبرد به فروشگاه. دوماً اصل پول نداشت بخره فرا! پس غلطه! ... فط ۷ متن</p> <p>۲. او (خانم) میخواهد به سر یک نفر بکوبد! (بزنه تو کله کسی!!).      الف) درست    ب) غلط </p> <p>+تو متن میکه: ((دوست دارم بنوازش بیرون از پنجره ...)) و بعد مرده میکه: ((ممکنه بزنیش تو سر یکی!!)) ... وگرنه فائمه نمیتواد که لپتاپو بکوبه تو سر کسی!! ... پس غلط! فط ۱۲/۱۶ متن</p> <p>۳. (آن) زن یک لپتاپ جدید می خرید، اگر ..... .</p> <p>+اگر که پول آنرا داشت .... <b>she had the money</b> ... فط ۳۲ متن</p> <p>+دقت کنید که اگر در جملات شرطی از فعل های گذشته استفاده شد، جمله شرطی مدنظر، نوع دوم است. همانند همین سوال. لذا در جمله واره شرط (بعد از if) از فعل گذشته (had) استفاده میکنیم.</p> <p>۴. چرا (آن) زن میخواهد لپتاپش را از پنجره بیرون بیندازد؟ زیرا ..... .</p> <p>+چون آن کند است .... <b>Because it is so slow</b> ... فط ۱ و فط ۹ متن</p>	پاسخ
	<p>متن شماره ۱ فایل صوتی بصورت نوشتاری:</p> <p>الف: لپتاپ من خیلی کند است.</p> <p>ب: یک (لپتاپ) جدید بخر.</p> <p>الف: اگر پول آنرا داشتم، می خریدم.</p> <p>ب: چرا اینقدر کند است؟</p> <p>الف: سوال خوبی است!</p> <p>ب: آیا آنرا به یک فروشگاه کامپیوتر بردی؟</p> <p>الف: این کار را می کردم، اگر پول آنرا داشتم.</p> <p>ب: خُب. فکر کنم که باید با آن کنار بیایی.</p> <p>الف: بعضی از مواقع می خواهم آنرا از پنجره بیرون بیندازم.</p> <p>ب: تو این کار را نمیکنی!</p> <p>الف: چرا نه؟</p> <p>ب: ممکن است به سر کسی ضربه بزنی!</p> <p>1. <b>A:</b> My laptop is so slow.</p> <p>2. <b>B:</b> Buy a new one.</p> <p>3. <b>A:</b> I would if I had the money.</p> <p>4. <b>B:</b> Why is it so slow?</p> <p>5. <b>A:</b> That's a good question!</p> <p>6. <b>B:</b> Did you take it to a computer shop?</p> <p>7. <b>A:</b> I would if I had the money.</p> <p>8. <b>B:</b> Well. I guess you have to way with it.</p> <p>9. <b>A:</b> Sometimes I want to throw it out of the window.</p> <p>10. <b>B:</b> You don't want to do that!</p> <p>11. <b>A:</b> Why not?</p> <p>12. <b>B:</b> You might hit someone in the head!</p>	+ویژه
۳	<p>دانش آموز عزیز به فایل صوتی شماره ۲ به دقت گوش دهید و سپس به سوالات به شکل خواسته شده پاسخ دهید.</p> <p>5. What is the woman doing?</p> <p>a. She is trying to imagine.                      b. She is trying to invite somebody.</p> <p>c. She is working on her invention.              d. She is cooking food.</p> <p>6. Which one is not mentioned in the dialog you heard?</p> <p>a. energy source      b. fuel      c. coal      d. renewable energy</p> <p>7. The woman thinks recycling unwanted food to fuel will happen in the future.</p> <p>a) True    b) False</p> <p>8. The man thinks that the woman is doing something new.</p> <p>a) True    b) False</p> <p>9. Does the man like the smell?</p> <p>10. Does the man appreciate the woman's job?</p>	۲

	<p>۵- (آن) زن چه کاری انجام می دهد؟          الف) او سعی می کند تصور کند.          ج) او در حال کار بر روی اختراع خود است. </p> <p>+ این سوال و دو سوال بعری، با توجه به متن نوشتاری فایل صوتی، که زیر همین بخش آمده، برامتی پاسخ داده می شود. (سوالا فیلی واضمن ... فقط آله موقع پفش شدن فوب گوش بدین، برامتی میتونین جواب بدین ...). فقط ۲ متن</p> <p>۶. کدام یک، در گفتگویی که شنیدید، ذکر نشده است؟          الف) منبع انرژی      ب) سوخت      ج) ذغال سنگ       د) انرژی تجدید پذیر</p> <p>+ قدرایی شما coal شنیدید؟ متی کلمه ای ک تلفظش نزدیکش هست، هم تو متن نیور!</p> <p>۷. (آن) زن فکر می کند بازیافت مواد غذایی ناخواسته (اضافی) برای سوخت در آینده اتفاق خواهد افتاد.          الف) درست       ب) نادرست فقط ۴ متن</p> <p>۸- (آن) مرد فکر می کند که زن کار جدیدی انجام می دهد.          الف) درست      ب) نادرست </p> <p>+ در مورد این که، کار زن یک کار جدیدی است یا خیر، و یا مثلاً قبل تر هم انجام شده و یا نشده، صحبتی نشده است. لذا بنظر می رسد که (آن) مرد، به نو بودن و یا جدید بودن کار زن عقیده ای ندارد!</p> <p>+ یکم پیچیده بنظر میرسه اما وقتی از موضوعی توی متن اشاره نشده، غالباً باید از مفهوم کلی، به اون برداشت برسید. البته از فقط ۴ متن میتوان به این برداشت رسید.</p> <p>۹- آیا مرد (آن) بو را دوست دارد؟          خیر، او آن (بو) را دوست ندارد ... No, he doesn't like it      فقط ۱ متن</p> <p>۱۰- آیا مرد از کار زن قدردانی می کند؟          خیر، او از کار زن، قدردانی نمی کند ... No, he doesn't appreciate the woman's job      فقط ۳ متن</p>	پاسخ
	<p>متن شماره ۲ فایل صوتی بصورت نوشتاری:</p> <p>الف: او! این چه بویی است؟          1. A: oh! What's that smell?          2. B: I'm working on my latest invention. I'm turning our old food into an energy source for our car and our house.</p> <p>ب: من در حال کار بر روی آخرین اختراع خود هستم. من در حال تبدیل کردن، غذای قدیمی خودمان، به منبعی انرژی، برای ماشین و خانه خودمان هستم.</p> <p>3. A: Why? There are already lots of types of renewable energy that power cars at homes and none of them smell like this.          الف: چرا؟ در حال حاضر انواع مختلفی از انرژی های تجدید پذیر وجود دارد که به اتومبیل ها در خانه، برق میدهد و هیچ یک از آنها، همچنین بویی ندارند.</p> <p>4. B: Well. I think I'm onto a better alternative. Imagine being able to recycle your unwanted food into fuel. That's the wave of the future.          ب: خُب. فکر می کنم که من به سوی جایگزین بهتری (برای آن منابع تجدید پذیر) هستم. تصور کنید که می توانید مواد غذایی ناخواسته (اضافی) خود را به عنوان سوخت، بازیافت کنید. این موجی از آینده است.</p>	+ویژه
۴	<p>دانش آموز عزیز به فایل صوتی شماره ۳ به دقت گوش دهید و سپس به سوالات به شکل خواسته شده پاسخ دهید.</p> <p>11. The man is working alone now.      a) True      b) False          12. The man likes the new environment.      a) True      b) False          13. According to the speaker, Delilah is the ..... member in the team.          14. The key to their success in working together is that they.....          15. What was his idea about working in a team environment a year ago?</p>	۳
	<p>متن شماره ۳ فایل صوتی بصورت نوشتاری:</p> <p>۱۱. مرد اکنون تنها کار می کند.      الف) درست      ب) نادرست       فقط ۲ متن</p> <p>۱۲. مرد محیط جدید را دوست دارد.      الف) درست       ب) نادرست فقط ۳ متن</p> <p>۱۳. طبق گفته گوینده، دلیلا (اسم خانم) عضو ..... تیم است.          خلاق ... creative      فقط ۵ متن</p> <p>۱۴. رمز موفقیت آنها در کار مشترک این است که آنها .....          به توانایی های یکدیگر احترام می گذارند ... respect each other's abilities      فقط ۶ و ۷ متن</p> <p>۱۵. یک سال پیش، ایده وی در مورد کار در محیط تیمی چه بود؟          او یک سال پیش از کار در محیط تیمی لذت نمی برد.          He didn't enjoy working in a team environment a year ago      فقط ۸ و ۹ متن</p>	پاسخ

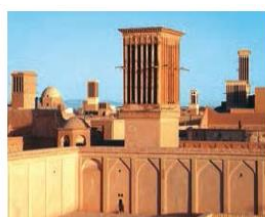
**A:** Before I started my new job, I didn't know that I would be working so closely with another employee of the company. I have always been self-directed. I didn't need to worry about me, to tell the truth. I was working in a team after having had so much independence. To my surprise, I liked the environment and I think I actually do better work because of it. Of the two of us, Delilah is the creative one. She often has good ideas and because I'm resourceful, we often find a way to put those ideas to work. I think the key to our success in working together is that we respect each others abilities. if you told me a year ago that I would be working in a team environment and enjoying it, I would have told you that you were crazy.

قبل از شروع کار جدیدم ، نمی دانستم که با یک کارمند دیگر شرکت بسیار نزدیک کار خواهیم کرد. من همیشه خودم را راهنمایی می کردم. راستش را بگویم، لازم نبود نگران خودم باشم. من بعد از این همه استقلال، در یک تیم، کار می کردم. با کمال تعجب ، من محیط (کار تیمی) را دوست داشتم و فکر می کنم در واقع به دلیل آن، کار بهتری انجام می دهم. از بین ما دو نفر ، لیلیا (شخص) خلاق است. او اغلب ایده های خوبی دارد و چون من مدبر(کاردان) هستم ، ما اغلب راهی برای عملی کردن این ایده ها پیدا می کنیم. من فکر می کنم رمز موفقیت ما در کار مشترک این است که ما به توانایی های یکدیگر احترام می گذاریم. اگر یک سال پیش به من می گفتی که در یک محیط تیمی کار خواهیم کرد و از آن لذت خواهیم برد ، به شما می گفتم که دیوانه ای!

۲

## Vocabulary

با توجه به تصاویر داده شده،جملات زیر را بخوانید وجمله مناسب برای هر تصویر را انتخاب کنید.(یک جمله اضافی است)



(16)



(17)



(18)



(19)

- Taking people's temperature can help them fight the coronavirus.
- If you focus the sun's rays through a magnifying glass on a dry leaf, it will start to burn.
- Teenagers who help others are more successful in life.
- Wind tower is a type of natural air cooling system.
- John couldn't figure out what the teacher was talking about.

۴

- 16 d.** برج بادی نوعی سیستم خنک کننده هوا طبیعی است.
- 17 e.** جان نمی توانست بفهمد معلم درباره چه چیزی صحبت می کند.
- 18 b.** اگر شما اشعه های خورشید را از طریق ذره بین روی یک برگ خشک متمرکز کنید ، آن شروع به سوختن می کند.
- 19 a.** گرفتن دمای افراد، می تواند به آنها در مبارزه با ویروس کرونا کمک کند
- c.** نوجوانانی که به دیگران کمک می کنند، در زندگی موفق ترند. (این جمله اضافی است.)
- +دقت کنید که برای پاسخ دادن به این سوال، باید بر قسمت واژگان کتاب درسی مسلط باشید. (جملاتی که در امتحان میار، معمولاً همون جمله های کتابن ها!)

پاسخ

۱,۵

جملات زیر را با کلمات داده شده کامل کنید. (یک کلمه اضافی است.)

**suppose, honored, demand, overcome**

- Elders feel ..... when we appreciate them.
- People use hybrid cars to ..... the problem of charging electric cars.
- Let us ..... for a moment that the news is really true.

۵

فرض کردن / افتخار کردن / تقاضا / غلبه کردن، پیروز شدن

۲۰. بزرگان احساس ..... وقتی قدرشان را بدانیم.

افتخار می کنند ... **honored**

۲۱. مردم از اتومبیل های هیبریدی برای ..... بر مشکل شارژ اتومبیل های برقی استفاده می کنند.

غلبه کردن ... **overcome**

۲۲. اجازه دهید ما. برای یک لحظه ..... که خبر واقعاً درست است.

فرض کنیم ... **suppose**

پاسخ

۱.۵	<p>جملات زیر را با کلمه ای مناسب از دانش خود کامل کنید.</p> <p>23. Dictionaries are usually in three levels: elementary, i - - - - - and advanced.</p> <p>24. The factory could r - - - - - most of its workers with robots two years ago.</p> <p>25. The two words at the top of each page of a dictionary are called g - - - - words.</p>	۶
	<p>+ برای پاسخ دهی به این سوال، از دانش واژگانی خودتان باید استفاده کنید. تعداد حروف واژه مد نظر طراح، بصورت - مشخص شده است که می تواند به شما در روند پیدا کردن واژه کمک کند. (مث پرول مل کردنه دیله) یکم سفت بنظر میرسه اما اگر روی واژه های کتاب مسلط باشی، راحت راحت، جواب میدی!</p> <p>۲۳- فرهنگ لغت ها معمولاً در سه سطح ابتدایی ، - - - - - و پیشرفته هستند. +متوسط ... intermediate</p> <p>۲۴- این کارخانه می توانست، دو سال پیش، بیشتر کارگران خود را با ربات ها - - - - - . +جایگزین کردن ... replace</p> <p>۲۵- به دو کلمه بالای هر صفحه از یک فرهنگ لغت ، کلمات - - - - گفته می شود. +راهنما ... guide</p>	پاسخ
۲	<p><b>Grammar</b></p> <p>پاسخ صحیح را از بین گزینه های داده شده انتخاب کنید.</p> <p>26. She was the person ..... everyone regarded as trustworthy. a ) which                      b ) when                      c ) whom                      d ) whose</p> <p>27. Scientists believe that hot weather is often ..... the corps. a) endanger                      b) endangering                      c) endangered                      d) dangers</p> <p>28. Zhila never says a word when she is sad,.....? a) isn't she                      b) did she                      c) doesn't she                      d) does she</p> <p>29. My father might buy a new car if some more dollars..... by the family. a) could save                      b) were saved                      c) had saved                      d) were saving</p>	۷
	<p>۲۶. او شخصی بود ..... همه او را به عنوان (شخصی) مورد اعتماد مورد توجه قرار می دادند. +فیب با اولین سوال کرامر در فرمت هستیم ... سوالی که ضمیر موصولی را مورد پرسش قرار داده ... اما برای این پرسش باید در ستاره مشخصه زیر را بدانی:</p> <p>ضمیر موصولی which بعد از اسم غیر انسان می آید. ضمیر when برای بیان زمان می آید(در کتاب شما جز ضمیر موصولی نیامده، بنابراین اگر در امتحان آمد، جواب نیست). ضمیر who و whom بعد از اسم انسان می آید، با این تفاوت که بعد از whom حتماً فاعل داریم. (ولی بعد از who هم فاعل و هم فعل میتواند بیاید). و همچنین ضمیر موصولی whose برای بیان مالکیت انسان بیان می شود.</p> <p>با توجه به کادر بالا و قبل از جای خالی صورت (که اسم انسان (شخص= person) آمده) به گزینه C می رسیم.</p> <p>۲۷. دانشمندان معتقدند که هوای گرم اغلب محصولات را ..... .</p> <p>زمان حال ساده: فعل بصورت ساده بکار می رود. تنها تغییری که فعل در این حالت میتواند داشته باشد، S- سوم شخص است. We <b>play</b> football every day / He <b>plays</b> ping-pong each Saturday.</p> <p>زمان حال استمراری: فعل بصورت با -ing ختم می شود، که نشان دهنده استمرار عمل است. She is <b>cleaning</b> the room / I'm <b>studying</b> English.</p> <p>Endanger به معنای به خطر انداختن است. اما باید به این موضوع دقت کنید که قبل از جای خالی از فعل کمکی is استفاده شده، بنابراین متوجه می شویم که زمان جمله، حال استمراری است و فعل ما -ing- میگیرد. گزینه B</p> <p>۲۸. ژپلا وقتی غمگین است هرگز یک کلمه نمی گوید ، ....</p>	پاسخ

### دنباله های سوالی یا tag questions :

همین پندر نکته رو یاد بگیر... تست کنکور هم آله بیار دلش میکنی:

۱. برای جمله زیر میخواهیم دنباله سوالی بنویسیم. ابتدا بار معنایی جمله (منفی/مثبت) را تشخیص میدهیم. باتوجه به حضور قید never, جمله بار معنایی منفی دارد. در نتیجه فعل کمکی در دنباله سوالی برعکس جمله اصلی، مثبت است. (برای فاعل های سوم شخص از did (گذشته) و does (حال) ... و فاعل های اول شخص و دوم شخص از did (گذشته) و does (حال) استفاده میکنیم) \* دقت کنید که اینجا همه فعل های کمکی نیستن ها! به مثال های زیر توجه کنید و فعل های کمکی رو پیدا کنید...

Zhila never says a word when she is sad, **does**.....?

۲. دقت کنید اگر بار معنایی جمله اصلی، مثبت بود، برای دنباله سوالی از فعل کمکی منفی حتماً بصورت مخفف ( doesn't, didn't, haven't, hasn't و ... ) استفاده میکنیم. اما مرحله دوم و آخر برای نوشتن دنباله سوالی، مشخص کردن فاعل آن است که بصورت ضمیر می آید. فاعل جمله اصلی ما ژیلّا(خانم) است که ضمیر مطابق آن she می شود. Zhila never says a word when she is sad, **does she**?

چند مثال:

Mina is happy, **isn't she**?

He's writing an email, **isn't he**?

George wasn't hungry, **was he**?

The girls were weaving a carpet, **weren't they**?

They are going to Hamedan, **aren't they**?

His father won't buy a new car, **will he**?

The boys have broken the window, **haven't they**?

Your sister has passed the exam. **hasn't she**?

۲۹. پدرم میتواندست یک ماشین جدید بخرد، اگر مقدار بیشتری دلار توسط خانواده ..... .

+پاسخ سوال، گزینه b

### جملات مجهول:

از معنای جمله کاملاً واضح است که جمله مجهول است. از طرفی زمان جمله هم گذشته است. بنابراین با این ترکیب جلو میریم! (be+p.p) این ترکیب برای هم گذشته و هم حال جواب میده! \*یادآوری: be= am/is/are ... was/were همچنین p.p همان past participle یا شکل سوم فعل است(انتهای کتاب درسی) \*اگر فعل ما زمان حال کامل یا present perfect داشت، ترکیب بالا به این صورت می شود. (have/has+been+p.p)


حالا بری مسراغ سوال... گفته که اگر دلارهای بیشتری توسط خانواده ذخیره می شد ... پس زمان جمله گذشته است. بنابراین از ترکیب اول (be+p.p) استفاده میکنیم که می شود: were saved \*دقت کنید که فعل کمکی be که در این سوال were شده، به دلارها (dollars) که جمع هست، برمیگردد و به همین دلیل was را انتخاب نکردیم.

جمله ی زیر را با استفاده از ضمیر موصولی مناسب **which** یا **whom, who** کامل کنید.  
30. A pigeon is a bird .....



پاسخ

یک کبوتر، پرنده ایست که .....  
+همانطور که اولین کادر بخش گرامر همین امتحان خواندیم، برای اسم غیر انسان از **which** استفاده میکنیم. در اینجا پرنده یک اسم غیر انسان است. بنابراین با **which** یک جمله واره می نویسیم.  
+همینکه شما بتوانید تشخیص بدهید که کدام ضمیر موصولی باید انتخاب شود، نیمی از نمره را گرفته اید. نیم دیگر، عبارت داری فعلی است که مینویسید...  
کبوتر پرنده ایست که در آسمان پرواز می کند A pigeon is a bird **which** flies in the sky.....

۲	<p>مکالمه زیر را بخوانید و شکل صحیح افعال را در جای خالی بنویسید.</p> <p><b>Babak:</b> I met Javid this morning.  <b>Ali:</b> Do you know Javid's birthday is this Friday? You (31)..... (invite) to his birthday party, haven't you?  <b>Babak:</b> No, nothing (32) .....(say) about it while I was talking to him.  <b>Ali:</b> He may call you tomorrow. He always (33).....(decide) to do things at the last moment, doesn't he?  <b>Babak:</b> You are right! But if he told us sooner we (34) .....(choose) a better gift to buy.  <b>Ali:</b> Exactly!</p> 	۹
	<p><b>31. have been invited    32. was said    33. decides    34. would / could choose</b></p> <p>بابک: من امروز صبح جاوید را ملاقات کردم.  <b>علی:</b> آیا می دانید تولد جاوید این جمعه است؟ شما به جشن تولد او (۳۱) <u>دعوت شده ای</u>، مگر نه؟  <b>بابک:</b> نه، در این باره هیچ چیز (۳۲) <u>گفته نشد</u>، در حالی که با او صحبت می کردم.  <b>علی:</b> ممکن است فردا با تو تماس بگیرد. او همیشه برای انجام کارها در آخرین لحظه (۳۳) <u>تصمیم میگیرد</u>. مگر نه؟  <b>بابک:</b> راست میگی! اما اگر او زودتر به ما میگفت، ما (۳۴) <u>میتوانستیم</u> هدیه بهتری <u>انتخاب کنیم</u>.  <b>علی:</b> دقیقاً!          + برای تشخیص شکل درست فعل، فقط و فقط به ترمیمه باید دقت کنید. ی نکته هم تو پاکت داشته باشین... آله بملمون فاعل نداشت، شتما مبهوله ها... دقیقاً عین مورد ۳۲ همین سوال!          + به کاربرد دنباله های سوالی در این مکالمه دقت کردید؟ در واقع طراح در این سوال شما را برای پاسخ دادن به سوال ۲۸ راهنمایی کرده است!</p>	پاسخ
۴	<p><b>Reading</b></p> <p>متن زیر را بخوانید و به سوالات داده شده هر قسمت پاسخ دهید.</p> <p>There are many languages in the world, some of which may seem harder to learn for second or foreign learners. But which is the most difficult language to learn? Well, it's not easy to reply because there are many factors to discuss.</p> <p>A native speaker of French, for example, will find English easier to learn than Chinese, because English is very similar to French, while Chinese is very different. As a result, first Language can affect learning a second language. The greater the differences between the second language and the first, the harder <u>it</u> will be to learn. Many people answer that Chinese is the hardest language to learn, possibly influenced by the thought of learning the Chinese writing system. Besides, the pronunciation of Chinese does appear to be very difficult for many foreign learners. However, for Japanese speakers, who already use Chinese letters in their own language, learning writing will be less difficult than for speakers of languages using the Roman alphabet.</p> <p>Teachers and the conditions in which the language is learned also play an important role, as well as each learner's motivation for learning. If people learn a language because they need to use it for a living, they often learn it faster than people who study a language that has no direct use in their day to day life.</p> <p><b>Read the questions and choose the best choice.</b></p> <p><b>35.</b> The word "it" in paragraph 2 line 4 refers to..... .</p> <p>a) learning first language  b) second language  c) difference of languages  d) Chinese language</p> <p><b>36.</b> Hardness of learning a language can depend on..... .</p> <p>a) how different it is from one's mother tongue  b) whether it is French or English  c) whether you are learning Japanese or Chinese  d) how long it takes to master pronunciation</p>	۱۰



**True / False**

37. Being familiar with writing system of the second language makes it harder to learn.

a) True b) False

38. The reason behind learning a language can slow down or speed up learning.

a) True b) False

**Answer the following questions.**

39. Which language is easier for French people to learn, English or Chinese? Why?

40. Why does a Japanese speaker find the Chinese writing system less difficult?

پاسخ

ترجمه متن:

زبانهای زیادی در جهان وجود دارد که یادگیری برخی از آنها برای زبان آموزان دوم یا خارجی دشوارتر به نظر می رسد. اما سخت ترین زبان برای یادگیری کدام است؟ خوب ، پاسخ دادن به آن، آسان نیست. زیرا عوامل زیادی برای بحث وجود دارد به عنوان مثال ، یک (فرد با) زبان مادری فرانسوی، یادگیری انگلیسی را آسانتر از زبان چینی می داند ، زیرا زبان انگلیسی بسیار شبیه فرانسه است ، در حالی که زبان چینی بسیار متفاوت است. در نتیجه ، زبان اول می تواند در یادگیری زبان دوم تأثیر بگذارد. هرچه تفاوت بین زبان دوم و زبان اول بیشتر باشد ، یادگیری آن دشوارتر خواهد بود. بسیاری از مردم پاسخ می دهند که چینی سخت ترین زبان برای یادگیری است ، که احتمالاً تحت تأثیر فکر یادگیری سیستم نوشتاری چینی است. علاوه بر آن به نظر می رسد تلفظ چینی برای بسیاری از زبان آموزان خارجی بسیار دشوار است. با این حال ، برای ژاپنی زبانانی که پیش از این از حروف چینی در زبان خودشان استفاده می کنند ، یادگیری نوشتن چینی (برای ژاپنی ها)، دشواری کمتری نسبت به زبان آموزان با الفبای رومی خواهد داشت.

معلم و شرایط یادگیری زبان نیز در انگیزه هر یادگیرنده برای یادگیری نقش مهمی دارند. اگر مردم یک زبان را بیاموزند در حالیکه برای تأمین معاش، نیاز به استفاده از آن دارند ، اغلب آن را سریعتر از افرادی می آموزند که زبانی را می آموزند درحالیکه در زندگی روزمره آنان کاربرد مستقیمی ندارد.

35. (b)

36. (a)

37. (b) False

38. (a) True

سوالات را بخوانید و بهترین گزینه را انتخاب کنید.

۳۵. کلمه "آن" در بند ۲ سطر ۴ به ..... اشاره دارد.

الف) یادگیری زبان اول

ب) زبان دوم ☒

ج) تفاوت زبانها

د) زبان چینی

+ نمونه این تیپ تست، در کلمه هتماً مطرح میار... پس فورتونو آماده کنین.

+ اما راه مل پیله: ترجمه جمله ... به اسم هایی که قبل از اون ضمیر اومده، برگرد. (ممکنه هم اسمه بعد از جای خالی اومده باشه ولی احتمالش کمه!) فقط ۵ متن

۳۶. سختی یادگیری زبان می تواند به ..... بستگی داشته باشد.

الف) چقدر با زبان مادری متفاوت است ☒

ب) فرانسوی باشد یا انگلیسی

ج) خواه ژاپنی یاد بگیرد یا چینی

د) مدت زمانی که طول می کشد تا برتلفظ مسلط شد

+ عین جمله متن هر دو سوال ۳۵ و ۳۶ !!!

درست / غلط

۳۷. آشنایی با سیستم نوشتاری زبان دوم ، یادگیری را دشوارتر می کند.

الف) درست ☒ ب) نادرست

۳۸. دلیل یادگیری زبان می تواند سرعت یادگیری را کند یا تسریع کند.

الف) درست ☒ ب) نادرست

به سوالات زیر پاسخ دهید.

۳۹. یادگیری کدام زبان برای فرانسوی ها آسان تر است ، انگلیسی یا چینی؟ چرا؟

+دقت کنید که برای پاسخ به دو سوال تشریحی باید جواب های کامل ارائه دهید؛



	<p>+ یادگیری زبان انگلیسی برای فرانسوی ها آسان تر است زیرا بسیار شبیه فرانسه است ...</p> <p><u>English is easier for French people to learn because it is very similar to French.</u></p> <p>(0/5) (0/5)</p> <p>۴۰. چرا یک ژاپنی سیستم نوشتاری چینی را دارای دشواری کمتری می داند؟</p> <p>زیرا آنها از حروف چینی در زبان خودشان استفاده می کنند.</p> <p>40. <u>Because they already use Chinese letters in their own language.</u></p> <p>(1)</p>	
۴	<p>متن زیر را بخوانید و به سوالات داده شده هر قسمت پاسخ دهید.</p> <p>The research for new sources of energy has led into various ways. To produce any type of energy, the resources of the earth are used. The main resources of the earth are fossil fuels such as natural gas, oil and coal. Electricity is generated from coal, oil and natural gas, but the process has been proven to be expensive.</p> <p>Experimental works are in progress to produce energy from other resources. Scientists and experts spared no pains to search for new ways of producing new source of energy. For instance, electricity has been produced with giant wind turbines. Geothermal power or the heat from the earth is also being tested to produce energy. Many societies are burning rubbish and other biological waste products to generate electricity. Not only changing unwanted products to gas or oil is a cheap way to produce energy, but also it is an effective way to get rid of waste.</p> <p>Some experts expect service companies to expand hydroelectric power generated from streams and rivers. As an example, 50 years ago hydroelectric power provided one-third of the electricity used in the United States but today it includes only 4%. The oceans are another possible source of energy. Scientists are studying ways to change the energy of oceans' tides and waves into electricity. Experiments are also underway to make use of temperature differences in ocean water to produce energy.</p> <p>Clean energy resources are vastly respected, valued, and used all over the world to keep the environment clean. As a result, scientists try to introduce new types of energy resources called clean energy resources to nations of the world.</p> <p><b>Read the questions and choose the best choice.</b></p> <p>41. Which is the best title for this passage?</p> <p>a) The use of waste products for energy b) The search for new sources of energy c) Effective ways of producing hydropower d) New discoveries in geothermal power</p> <p>42. Which of the following is not offered in the passage as a source of energy?</p> <p>a) Electrical power b) Clean energy c) Nuclear energy d) Hydroelectric power</p> <p><b>True / False</b></p> <p>43. Changing waste products to gas or oil is an expensive way to generate energy, but it is very effective.</p> <p>a) True b) False</p> <p>44. Geothermal power is the heat from the Earth.</p> <p>a) True b) False</p> <p><b>Answer the following questions.</b></p> <p>45. What is hydroelectric power produced from?</p> <p>46. What will happen if the nations of the world use clean sources of energy?</p>	۱۱
	<p>ترجمه متن:</p> <p>تحقیقات برای منابع جدید انرژی، منجر به (یافتن) روشهای متعددی شده است. برای تولید هر نوع انرژی، از منابع زمین استفاده می شود. منابع اصلی زمین سوخت های فسیلی مانند گاز طبیعی، نفت و زغال سنگ هستند. برق از زغال سنگ، نفت و گاز طبیعی تولید می شود، اما گران بودن روند کار، ثابت شده است.</p>	پاسخ

کارهای تجربی برای تولید انرژی از منابع دیگر در حال انجام است. دانشمندان و کارشناسان از هیچ تلاشی دریغ نکردند تا به دنبال روش های جدید تولید منبع جدید انرژی باشند. برای مثال، برق با توربین های بادی گول پیکر تولید شده است. نیروی زمین گرمایی یا گرمای زمین نیز برای تولید انرژی در حال آزمایش است. بسیاری از جوامع در حال سوزاندن زباله و سایر مواد زائد بیولوژیکی برای تولید برق هستند. نه تنها تغییر محصولات ناخواسته (اضافی/نامطلوب) به گاز یا روغن راهی ارزان برای تولید انرژی است، بلکه راهی موثر برای دفع زباله ها نیز است.

برخی از کارشناسان انتظار دارند شرکت های خدماتی، انرژی برق آبی تولید شده از مسیل ها (جریان های آبی) و رودخانه ها را گسترش دهند. به عنوان مثال، ۵۰ سال پیش، برق آبی، یک سوم برق در ایالات متحده را تأمین می کرد اما امروزه فقط ۴٪ را شامل می شود. اقیانوس ها یکی دیگر از منابع احتمالی انرژی هستند. دانشمندان در حال مطالعه روش هایی برای تغییر انرژی جزر و مد اقیانوس ها به برق آزمایشاتی نیز برای استفاده از اختلاف دما در آب اقیانوس ها برای تولید انرژی در حال انجام است.

منابع انرژی پاک در سرتاسر جهان بسیار مورد احترام و دارای ارزش زیادی هستند و برای نگهداری از محیط (طبیعت) از آنها در سرتاسر جهان استفاده می شود. در نتیجه، دانشمندان سعی می کنند انواع جدیدی از منابع انرژی، به نام منابع انرژی پاک را به ملت های جهان معرفی کنند.

41. (b) 42. (c) 43. (b) False 44. (a) True

سوالات را بخوانید و بهترین گزینه را انتخاب کنید.

۴۱. بهترین عنوان برای این متن کدام است؟

الف) استفاده از مواد زائد برای تأمین انرژی

ب) جستجوی منابع جدید انرژی ☒

ج) روشهای موثر تولید برق آبی

د) اکتشافات جدید در انرژی زمین گرمایی

۴۲. کدام یک از موارد زیر به عنوان منبع انرژی در متن بیان نمی شود؟

الف) انرژی الکتریکی (ب) انرژی پاک (ج) انرژی هسته ای ☒ (د) نیروی (انرژی) برق آبی

درست / غلط

۴۳. تغییر مواد زائد به گاز یا روغن یک روش گران قیمت برای تولید انرژی است، اما بسیار تاثیر گذار است.

الف) درست (ب) نادرست ☒

۴۴. انرژی زمین گرمایی، گرمای حاصل از زمین است.

الف) درست ☒ (ب) نادرست

به سوالات زیر پاسخ دهید.

۴۵. انرژی برق آبی از چه چیزی تولید می شود؟

+از مسیل ها (جریان های آبی مانند نهر) و رودخانه ها / اقیانوس ها / آب تولید می شود.

It is produced from streams and rivers/oceans/water.

(0/25)

(0/75)

۴۶. چه اتفاقی خواهد افتاد اگر ملت های جهان از منابع پاک انرژی استفاده کنند؟

+باعث تمیز نگه داشتن محیط می شود.

It will keep the environment clean.

(1)

۲ Writing

متن زیر را با کلمات ربط (but, and, so, or) کامل کنید.

Teachers work hard every day to make sure you have learnt your lessons, (47).....they deserve your respect. You should know their values, (48)..... tell them that you are grateful to them for their help. You may sometimes forget their kindness, (49) .....you need to remember that they shape your lives like your parents. Treat them well when they are still around, (50) ..... you will be sorry one day.

۱۲

## کلمات ربط:

**1. And:** بیانِ فعالیت ها یا احساسات مشابه / اضافه کردن مطلب به جمله اول:

I get up early in the morning, **and** I make an omelet myself.

**2. But:** بیانِ تضاد و تفاوت :

The book was boring, **but** Tom had to read it.

**3. Or:** بیانِ انتخاب ها یا گزینه ها / جایگزین ها :

You should do your homework, **or** you should wash the dishes.

**4. So:** بیانِ نتیجه جمله اول:

Saeed studied hard for the exam. **so** he passed it.

ترجمه:

معلمان هر روز سخت تلاش می کنند تا مطمئن شوند که شما، درس های خود را آموخته اید ، (۴۷) بنابراین آنها لیاقت توجه شما را دارند. شما باید ارزش های آنها را بدانید ، (۴۸) و به آنها بگویید که از آنها به خاطر کمکشان سپاسگزار هستید. ممکن است گاهی اوقات مهربانی آنها را فراموش کنید ، (۴۹) اما باید به یاد داشته باشید که آنها زندگی شما را همانند والدینتان، شکل می دهند. وقتی هنوز در اطراف (شما) هستند با آنها خوب رفتار کنید (۵۰) یا (در غیر اینصورت) یک روز متأسف خواهید شد.

پاسخ ها:

**47. so    48. and    49. but    50. or**

+صرفاً با مطالعه کارر آبی رنگ بالا، برهتی به این تیپ از سوالات پاسخ فواید دار.

۱۳

با توجه به مفهوم جمله اول و تصویر داده شده، در ادامه یک جمله بنویسید.

51. Many people are still becoming sick because of the COVID 19, so..... .



52. Jimmy seems very tired, but..... .



پاسخ

+این سوال هم مانند سوال قبل، در مورد کلمات ربط مطرح شده است. با این تفاوت که در این سوال، جمله بعد از کلمه ربط از شما خواسته شده است.

\* مثلاً خواستون هست که جمله ای که مینویسید، باید با تصویر داده شده مطابقت داشته باشه! بله که خواستون هست!

51. ...they should stay at home..... آنها باید در خانه بمانند

52. ...he has to do his homework ..... او باید تکالیفش را انجام دهد

۱۴

برای هر یک از پاراگرافهای زیر یک Topic Sentence بنویسید.

53. Reading ..... Unlike sitting in front of the TV, reading makes you use your brain. It also gives you a view into other cultures and places in the world.

Besides, it improves your concentration and helps you have something to talk about.

54. Nature ..... In order to connect to the nature, you can go

	outside and choose a quiet place, whether it is a forest, or grassland, lake or mountain. You will find how relaxing it is to just sit and enjoy the natural sounds of the woods, leaves or birds. You can also feel free from all the pressure you have in crowded cities in your daily life. Nature is really the world's wonderful gift.	
	<p><b>Topic Sentence</b></p> <p>جمله Topic Sentence ، مهمترین جمله در یک بند یا پاراگراف است. اما چرا بهش میگویند (جمله عنوان) ؟! ... زیرا در این جمله، نویسنده قصد دارد موضوع اصلی را قصد دارد مطرح کند، با شما در میان بگذارد.</p> <p>این جمله از دو بخش تشکیل می شود:</p> <p>عنوان (topic): بند یا پاراگراف در مورد چه چیزی است.</p> <p>ایده کنترل کننده (controlling idea): چیزی که نویسنده بر روی آن متمرکز شده است.</p> <p>E.g: <u>My sister and I respect our parents all the time.</u></p> <p>topic controlling idea</p> <p>E.g: <u>A cheetah is a wild animal from the cat family.</u></p> <p>Topic controlling idea</p> <p>+ پس برای نوشتن پاسخ سوال فوق می بایست یک topic و یک controlling idea در قالب یک جمله کامل بنویسیم:</p> <p>+ پاسخ های شما در این سوال ممکن است با دوستانتان متفاوت باشد اما اگر براساس موضوع اصلی متن باشد و هر دو بخش اصلی مطرح شده را شامل شود، نمره کامل لحاظ می گردد. اما ابتدا ترجمه میکنیم تا بتوانیم موضوع اصلی را درک کنیم:</p> <p>+ خواندن ..... . برخلاف نشستن جلوی تلویزیون ، مطالعه باعث می شود از مغز خود استفاده کنید. همچنین به شما دیدگاهی از فرهنگ ها و مکان های دیگر جهان می دهد. علاوه بر این ، تمرکز شما را بهبود می بخشد و به شما کمک می کند موضوعی برای گفتگو داشته باشید.</p> <p><b>53. Reading has lots of benefits that can help you.</b></p> <p><b>Reading can help you improve.</b></p> <p><b>Reading should be more noticed.</b></p> <p>Topic Controlling idea</p> <p>۵۴. طبیعت ..... به منظور ارتباط با طبیعت ، می توانید بروید</p> <p>بیرون و یک مکان آرام را انتخاب کنید ، چه جنگل باشد ، چه چمن زار ، دریاچه یا کوه. خواهید فهمید که نشستن و لذت بردن از صدای طبیعی جنگل ها ، برگها یا پرندگان چقدر آرامش بخش است. همچنین می توانید از تمام فشاری که در شهرهای پرجمعیت، در زندگی روزمره خود دارید ، احساس راحتی کنید. طبیعت واقعاً هدیه (نعمت) فوق العاده ایست.</p> <p><b>54. Nature is the most wonderful place that you can find.</b></p> <p><b>Nature can help us be more relax.</b></p> <p><b>Nature is an amazing place that attracts you.</b></p> <p>Topic Controlling idea</p>	پاسخ
	توجه : دانش آموز عزیز در این قسمت ؛ بخش های مختلفی ارایه شده است در هر قسمت طبق دستور العمل فقط به یکی از دو بخش به دلخواه پاسخ دهید	
۲	<p>در این قسمت فقط به یکی از بخشهای (الف) یا (ب) به اختیار پاسخ دهید.</p> <p>الف) برای هر کلمه مشخص شده از ستون A یک تعریف از ستون B انتخاب کنید. (در ستون B یک تعریف اضافی است).</p> <p><b>A</b></p> <p><b>55. Our parents have a lot to share with us like their experiences and failures.</b></p> <p><b>56. I really like the variety the store has to offer.</b></p> <p><b>57. The factory polluted the river.</b></p> <p><b>58. Try to avoid foods that contain a lot of fat.</b></p>	۱۵

**B**

- a. to make water, air, etc. dirty
- b. lack of success in doing something
- c. have something inside
- d. an arrangement in a particular order
- e. many different types of things or people

(ب) مفهوم و تعریف ضرب المثل های ستون A را از ستون B انتخاب نمایید. (در ستون B یک تعریف اضافه است).

**A**

- 55. God helps those who help themselves
- 56. Two heads are better than one
- 57. Action speak louder than words
- 58. A burnt child dreads the fire

**B**

- f. Just saying that you will do something doesn't mean much. Actually, doing it is harder.
- g. Don't just wait for good things to happen to you. Work hard to achieve your goals.
- h. Someone who has experienced some kind of negative situation will try to avoid making the same mistake.
- i. People like to spend time with others who are similar to them.
- j. When two people cooperate with each other, they come up with better idea.

**پاسخ**

+ برای پاسخ دادن به این سوال، در ابتدا همانطور که گفته شد، شما فقط یکی از دو بخش (الف) یا (ب) را میتوانید پاسخ دهید.

**بخش الف) باید تعریف کلمه ای را که زیر آن خط کشیده شده در A، از قسمت B بیابید.**

**A**

۵۵. والدین ما مانند تجربیات و شکست های خود چیزهای زیادی برای گفتن با ما دارند.

۵۶. تنوعی که فروشگاه ارائه می دهد را خیلی دوست دارم.

۵۷. کارخانه رودخانه را آلوده کرد.

۵۸. سعی کنید از غذاهایی که چربی زیادی دارند خودداری کنید.

**B**

آ. آب ، هوا و غیره را کثیف کردن

ب عدم موفقیت در انجام کاری

ج شامل چیزی بودن (چیزی داشتن)

د یک ترتیب در یک نظم خاص

ه انواع مختلف چیزها یا افراد

**بخش ب)****A**

۵۵. از تو حرکت، از خدا برکت.

۵۶. هر سری عقلی دارد.

۵۷. به عمل کار بر آید، به سخندانی نیست.

۵۸. مار گزیده از ریسمان سیاه و سفید می ترسد.

**B**

f. فقط گفتن اینکه کاری انجام می دهید معنای زیادی ندارد. در واقع ، انجام آن دشوارتر است.

g. فقط منتظر اتفاقات خوب نمانید. برای رسیدن به اهداف خود سخت کار کنید.

h. کسی که نوعی وضعیت منفی را تجربه کرده است سعی می کند از آن اشتباه تکراری جلوگیری کند.

i. مردم دوست دارند وقت خود را با کسانی که با آنها شباهت دارند، صرف کنند.

j. وقتی دو نفر با یکدیگر همکاری می کنند ، ایده بهتری پیدا می کنند.

**پاسخ هر دو بخش (الف) و (ب) را در جدول روبرو ببینید.**

+ باتوجه به ترجمه هایی که براتون آماده کردم، فکر نمیکنم مشکلی داشته باشید!

	(الف)	(ب)
55.	b	g
56.	e	j
57.	a	f
58.	c	h

۱۶

۲

در سوالهای ۵۹ و ۶۰ به دلخواه فقط یکی از بخشهای (a) یا (b) را انتخاب کرده و با هر گروه از کلمات زیر یک جمله بنویسید.

59. a) more free time / Mina / would / had / help / you / if / she / with your homework / .

یا

b) was / because / he / my mother / hadn't / angry / my brother / washed / with / his hands / .

60. a) bought / the students / which / their teacher / some / useful / suggested / books / .

یا

b) cold weather / into / converted / water / in / ice / be / can / ?

پاسخ

+ برای حل این تیپ از سوالات کافی است، ترتیب اجزای جمله را در زبان انگلیسی بدانید:

((قید زمان + قید مکان + قید حالت + مفعول + فعل اصلی + قید تکرار + فعل کمکی + فاعل))

\* در جملات سوالی، فعل کمکی به ابتدای جمله منتقل می شود. (اگر فعل کمکی در خود جمله حضور نداشت، آنرا مطابق با

فعل اصلی، حدس میزنیم و ابتدای جمله سوالی خود قرار می دهیم.)

\* دقت کنید که ترتیب داده شده، برای یک جمله کامل است. قید ها و همچنین فعل کمکی، مطابق با جمله مدنظر، می توانند باشند یا نباشند.

۵۹. الف) اوقات فراغت بیشتر / مینا / می تواند / به شما / اگر / او / در انجام مشق شب خود کمک / .

Mina would help you with your homework if she had more free time.

الف) مینا اگر وقت آزاد بیشتری داشته باشد به شما در انجام تکالیف کمک می کند.

+ جمله داده شده، می تواند با جمله شرط (if clause) نیز شروع شود با این تفاوت که حتما بعد از جمله واره شرط، کما (،) خواهیم داشت.

if she had more free time, Mina would help you with your homework.

ب) بود / زیرا / او / مادرم / عصبانی / برادرم / با دستهایش شسته نشده بود / .

My mother was angry with my brother because he hadn't washed his hands.

مادرم از دست برادرم عصبانی بود زیرا او دستان خود را نشسته بود.

+ hadn't washed : past perfect زمان گذشته کامل، معادل ماضی بعید).

۶۰. الف) دانش آموزان / که / معلم آنها / برخی / مفید / پیشنهادی / کتاب / خریداری شده است.

The students bought some useful books which their teacher suggested.

دانش آموزان کتابهای مفیدی را که معلم آنها پیشنهاد کرده بود خریداری کردند.

ب) هوای سرد / به / تبدیل / آب / در / یخ / می شود / می توان / ؟

Can water be converted into ice in cold weather?

آیا در هوای سرد، آب میتواند به یخ تبدیل شود؟

۴

در این قسمت فقط به یکی از بخشهای (ج) یا (د) به اختیار پاسخ دهید.

ج ( ) با استفاده از تصاویر داده شده برای عنوان های زیر یک Topic Sentence در پاسخنامه بنویسید.

a) Water.....

b) Damavand.....

c) Perspolis (Takht- e- Jamshid).....

d) Tahereh Saffarzadeh.....

۱۷

د) با استفاده از اطلاعات داده شده یک پاراگراف درباره شهید محمد حسین فهمیده در پاسخنامه بنویسید.

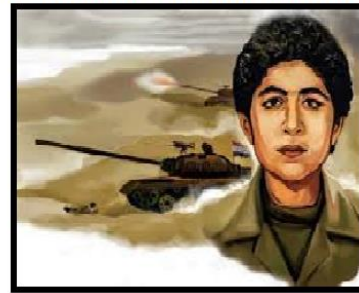
Mohammad Hossein Fahmideh

**Birth:** May 6, 1967, Qom

**Death: (Martyred)** October 30, 1980, Khorramshahr

**Job:** Student

**War:** Iran–Iraq War, in Khorramshahr



پاسخ

بخش ج)

+ در مورد topic sentence یک کار داره بوردم ... پس بی معطلی بریم سراغ جواب! آفرین سواله ها!

- a) water is the most important liquid to drink in the world.
- b) Damavand is the tallest mountain in Iran.
- c) Perspolis (Takht-e-Jamshid) is a historical site in Fars province.
- d) Tahereh Saffarzadeh was a hardworking woman who has translated the Holy Quran.

الف) آب مهمترین مایعی است که می توان در جهان نوشید.

ب) دماوند بلندترین کوه ایران است.

ج) پرسپولیس (تخت جمشید) یک مکان تاریخی در استان فارس است.

د) طاهره صفارزاده، زنی سخت کوش بود که قرآن کریم (مقدس) را ترجمه کرده است.

بخش د)

Mohammad Hossein Fahmideh is one the bravest martiers who was born on May 6,1967, Qom. He was a student when he decided to help his country and defend against enemies in Iran-Iraq War, So he went to Khoramshahr voluntarily and helped other soldiers. He was finally got killed on October 30<sup>th</sup>, 1980, when he was avoiding some tanks, passing the bridge.

محمد حسین فهمیده یکی از شجاع ترین رزمندگان است. وی هنگامی که دانش آموز بود، تصمیم گرفت در جنگ ایران و عراق به کشورش کمک کند و درمقابل دشمنان دفاع کند ، بنابراین داوطلبانه به خرمشهر رفت و به دیگر سربازان کمک کرد. وی سرانجام در تاریخ ۳۰ اکتبر ۱۹۸۰ ، هنگامی که از برخی از تانک ها و عبور آنها از روی پل جلوگیری می کرد ، کشته شد.

کاری از:

استاد علی پناه یزدان

دارنده درصد ۱۰۰ کنکور و نمره ۲۰ امتحان نهایی زبان

دانشجوی برتر زبان و ادبیات انگلیسی روزانه – سراسری



جزوه پیش روی شما، دومین بخش از پکیج آمادگی امتحان نهایی ویژه درس زبان انگلیسی است.

شما در این جزوه، که شامل درسنامه ها و تمرین است، در کوتاه ترین زمان ممکن به تسلط عالی بر مباحث مهم (و نه حاشیه ای!) خواهید رسید.

این جزوه، شامل سه بخش گرامر، واژگان و نوشتن است و همانطور که سوالات امتحان شما بصورت مبحثی خواهند بود، این جزوه نیز بر اساس سرفصل ها و مهمترین مطالب مورد نیاز، بصورت مبحثی طراحی شده است.

علی پناه یزدان



The English exam is going to **be taken** tomorrow.

امتحان زبان فردا برگزار خواهد شد.

The teacher will be **appreciated** for his hardworking.

معلم بخاطر تلاش هایش، قدردانی خواهد شد.

**\*نکته:** برای سوالی کردن و یا منفی کردن جمله مجهول، همانند جمله معلوم از فعل کمکی استفاده میکنیم:

Is this page being read? / This page is **not** being read.

برای جمع بندی تا اینجا این مبحث ... **تویهتون رو پملات به شرت اتمالی!**  
**چلب میکنم:**

معلوم: Scientists **find** solutions to problems.

دانشمندان راه حلی برای مشکلات، پیدا می کنند.

مجهول: Solutions to problems **are found** by scientists.

راه حل هایی برای مشکلات، توسط دانشمندان پیدا می شوند.

معلوم: Ali **broke** the window yesterday.

علی دیشب شیشه را شکست.

مجهول: The window **was broken** yesterday.

شیشه، دیشب شکسته شد.

معلوم: They **have fixed** the cars. آنها ماشین ها را تعمیر کرده اند

مجهول: The cars **have been fixed**. ماشین ها، تعمیر شده اند

**\*یادآوری:** شما در درس ۴ پایه دهم با فعل های وجهی (modals) که نوعی فعل کمکی هستند، آشنا شدید: should, must, may, can

**\*نکته بسیار مهم:** بعد از افعال وجهی، شکل ساده فعل می آید.

**\*نکته:** برای ساختن جمله مجهولی که در آن فعل وجهی بکار رفته است، از ترکیب روبرو استفاده میکنیم: modal + be + **p.p**

معلوم: The principal **should call** the parents.

مدیر (مدرسه)، باید با والدین ها تماس بگیرد.

مجهول: The parents **should be called** (by the principal).

با والدین ها، باید توسط مدیر، تماس گرفته شود.

معلوم: The cook **may make** a fish salad for dinner.

آشپز ممکن است برای شام یک سالاد ماهی درست کند.

مجهول: A fish salad **may be made** for dinner (by the cook).

سالاد ماهی ممکن است برای شام (توسط آشپز) درست شود.

## گرامر درس اول

۱. جمله های مجهول ۲. پرسش تاییدی ۳. حروف ربط

۱. جمله های مجهول:

جملات به دو صورت معلوم و مجهول مورد بررسی قرار میگیرند. جملاتی که فاعل مشخصی دارند، معلوم هستند و جملاتی که فاعل ندارند، مجهول خواهند بود.

**\*پس یکی از نشانه های جمله مجهول، نبودن فاعله!**

**\*بررسی سوء تفاهم:** اسم یا ضمیری که گاهی در ابتدای جمله مجهول می آید، فاعل یا انجام دهنده فعل نیست، بلکه اثر یک فعل را دریافت میکند. مثال:

Reza **is called** the superman of the class.

رضا سوپرمن کلاس نامیده می شود!

Pancakes **are made** every morning.

پنکیک ها هر روز صبح درست می شوند.

برای ساخت جمله مجهول از ترکیب کلی **to be + pp** استفاده میکنیم. **To be** بصورت **is/are** برای زمان حال و بصورت **was/were** برای زمان گذشته مورد استفاده قرار میگیرد. **was, is** برای مفعول های مفرد و **were, are** برای مفعول های جمع بکار میروند).

**pp** یا همان **past participle** که بعنوان **شکل سوم فعل** می شناسید، در آخرین بخش فعلی اضافه می شود. برای تسلط بر شکل سوم افعال به بخش افعال بی قاعده در انتهای کتاب درسی رجوع کنید.

**\*ترکیب کلی مطرح شده در زمان های ذیل دچار تغییراتی می شود، لذا به مثال های زیر توجه نمایید:**

**is/are + being + p.p**: حال استمراری\*

This page **is being read**.<sup>۱</sup>

این صفحه دارد خوانده می شود.

**have/has + been + p.p**: حال کامل\*

This place **has been visited** by many tourists.

این مکان توسط گردشگران زیادی، بازدید شده است.

**was/were + being + p.p**: گذشته استمراری\*

The biology exam **was being taken** from 10 to 12 the day before.

آزمون زیست شناسی ساعت ۱۰ تا ۱۲ روز گذشته، برگزار می شد.

**is going to + be + p.p / will + be + p.p**: آینده ساده\*

<sup>۲</sup> برای بیان آینده قصدی از **be going to** استفاده میکنیم. (برگزاری امتحان، از قبل

برنامه ریزی شریک)

<sup>۱</sup> هر سه شکل فعل **read** یکسان است.

## گرامر درس دوم

### ۱. ضمائر موصولی ۲. جمله شرطی نوع دوم

#### ۱. ضمائر موصولی و جمله واره های وصفی:

**+بیشتر بدانید:** در بخش writing همین جزوه، بحث کلمات ربط هم پایه ساز and, or, but, so را خواهیم داشت. این کلمات هم پایه ساز، جملات مرکب (compound) می سازند، در صورتی که ضمائر موصولی که در این درس میخوانیم، وابسته ساز بوده و جملات پیچیده (complex) می سازند. -*زیار سفت نکیر آقا! -هشم!*

در این درس با ۳ ضمیر موصولی who, whom, which و that آشنا می شوید. این ضمائر موصولی، با قرار گرفتن بعد از یک اسم درجمله، آنرا توصیف می کنند و جمله واره توصیفی می سازند. در زبان فارسی، این ضمائر را بصورت (که) ترجمه میکنیم. اما کاربرد هر یک از آنها متفاوت است که در ادامه به آن می پردازیم.

**\*نکته:** قبل از هر چهار ضمیر موصولی، اسم می آید. ضمائر موصولی who و whom برای انسان، و which برای غیر انسان بکار می روند.

**\*نکته:** ضمیر موصولی that بجای هر سه ضمیر دیگر می تواند استفاده شود. (رمش کرم! بیای همه نکلوانی میره! ... اما اهمیتش برای امتحان نهایی شما کمه!) + به جایگاه هر یک از آنها در جمله و آنچه که قبل و بعد از آنها می آید، دقت کنید و این سه ترکیب را بخاطر بسپارید:

فعل، فاعل + **who** + (اسم) انسان

فاعل + **whom** + (اسم) انسان

فعل، فاعل + **which** + (اسم) غیر انسان

به نمونه های زیر توجه کنید:

The man plays golf. He lives at No. 10.

The man **who** plays golf lives at No. 10.

**مردی که** گلف بازی می کند، در (پلاک) شماره ۱۰ زندگی میکند.

The woman is coming to dinner. You met her yesterday.

The woman **who(m)** you met yesterday is coming to dinner.

**زنی که (شما)** دیروز با او ملاقات کردید، در حال آمدن برای شام است.

The cat lives near us. It was drinking milk.

The cat **which** lives near us was drinking milk.

**گربه ای که** نزدیک ما زندگی می کند، در حال نوشیدن شیر بود.

## ۲. پرسش تاییدی:

در زبان فارسی می گوییم: (او معلم خوبی است، مگر نه؟) به جمله کوتاه (مگر نه؟) که برای تایید صحت جمله و یا تاکید بر آن، بکار می روند، در زبان انگلیسی پرسش تاییدی یا Tag Question می گویند.

قبل از آنکه سراغ پرسش های تاییدی و روند ساخت آن برویم، انواع افعال کمکی را مرور میکنیم...

am/is/are/was/were + has/have/had + do/does/did  
should/must/may/can

برای درک بهتر پرسش تاییدی که از دو بخش تشکیل می شود، به جمله زیر توجه کنید.

Mina is happy.

برای نوشتن بخشی اول پرسش تاییدی، **فعل کمکی** جمله را که در اینجا

**is** هست، در نظر میگیریم. سپس قرینه آن، یعنی **isn't** را بازنویسی

میکنیم. (فعل منفی را در پرسش تاییدی حتماً بصورت مخفف می

نویسیم). در ادامه برای نوشتن بخش دوم پرسش تاییدی، **فاعل** جمله را

که در اینجا **mina** هست، در نظر میگیریم و ضمیر مناسب با آنرا که **she**

هست، می نویسیم، سپس علامت سوال میگذاریم و **تمام!**

Mina is happy, **isn't she?**

George **wasn't** hungry, **was he?**

The girls **were** weaving a carpet, **weren't they?**

They **are** going to Hamedan, **aren't they?**

His father **won't** buy a new car, **will he?**

The boys **have** broken the window, **haven't they?**

Your sister **has** passed the exam, **hasn't she?**

*نکته طلایی بکم و زود، تند، سریع! بریم درس بعدی؛*

**\*نکته ۱:** علاوه بر مثبت و یا منفی بودن خود فعل حاضر در جمله، باید به

قید ها نیز توجه کنید، تا بتوانید بار معنایی جمله را تشخیص دهید.

حتی اگر فعل ما مثبت باشد، حضور کلماتی مثل **hardly, rarely,**

**nobody, no one, never** در جمله بار منفی ایجاد میکنند.

برای مثال، در نمونه زیر فعل اصلی ما مثبت است، اما حضور قید **never**

، بار منفی به جمله می دهد.

She **has never(-)** been to Turkey, **has(+)** she?

**\*نکته ۲:** در جملات حال ساده و گذشته ساده که بصورت مثبت آمده اند،

فعل کمکی نمیبینیم. ب چ کنیم؟ در این جملات باید از **do/does/did**

استفاده کنیم.

Mohammad **teaches** Arabic, **doesn't he?**

Maryam **went** to the park yesterday, **didn't she?**

They **go** swimming every weekend, **don't they?**

I found the keys. I lost the keys yesterday.

I found the **keys which** I lost yesterday.

من کلیدهایی را که (من) دیروز گم کردم، پیدا کردم.

فوت و فن کوزه‌گری: از اون جایی که حرفی از ضمیر موصولی *when* توی کتاب شما زده نشده، پس که این ضمیر تو امتحانات فوری نشون دار، بعش بی مملی کنین! چون جواب نیست. (رک امتحان نهایی فروردین ۹۹-تلیل همین بزنه) .

\*تذکر: فاعلی که احياناً بعد از ضمائر موصولی می آید، نباید به هیچ عنوان به اسم توصیف شده برگردد. برای مثال، در نمونه زیر، اسم *class* بوسیله **which** توصیف شده است. بنابراین فاعل بعد از ضمیر موصولی، نباید تکرار کننده اسم وصف شده باشد.

Arad has a **class which** it is too boring.

زمانی که می‌توانیم یک جمله واره توصیفی بنویسیم و از ضمیر موصولی استفاده کنیم، اول یکی از ترکیب هارو انتخاب کنیم (براساس توصیف انسان یا غیر انسان) و دقت کنیم که ممکنه بعد از اون اصلاً نیازی به فاعل نباشه (بجز بعد *whom* که حتماً فاعل میار، بقیه میتونن فاعل نداشته باشن و با فعل ادامه بپراکنن). ولی بازهم ممکنه بفاطر استرس و نبود تمرکز، مبرداً اسم توصیف شده رو در شکل ضمیر تکرار کنیم... مثلاً در نمونه داده شده، اگر *it* رو بنویسیم، ترجمه به این شکل میشه: (آراد کلاسی دارد که کلاسی بسیار کسل آور است!!).

\*نکته: قبل از دو ضمیر موصولی *whom* و *which* میتوانیم، حرف

اضافه بیاوریم. فقط همین دوتا ها! بقیه همین آپشنی ندارند!

Yesterday, I saw a friend of mine, with whom I traveled to Turkey last summer.

البته دقت کنید که ممکن است در انتهای جمله حرف اضافه آمده باشد، پس از تکرار مجدد آن، قبل از ضمیر موصولی جلوگیری کنید.  
(سراسری ۹۸)

صحیح: China is the country **that** Paper, silk and gunpowder were first produced in.

غلط: China is the country **in which** Paper, silk and gunpowder were first produced in.

## ۲. جمله شرطی نوع دوم:

جمله شرطی نوع اول را در پایه یازدهم خوانده اید و امسال در درس دوم، نوع دوم را میخوانید. قبل از اینکه به بررسی آن بپردازیم، یک یادآوری از جمله شرط نوع اول داشته باشیم<sup>۴</sup>:

If you study hard, you will pass the exam.

اگر شما سخت درس بخوانید، امتحان را قبول خواهید شد.

<sup>۴</sup> اگر حرف اضافه، در جایی بعد از ضمیر موصولی بیاید، مجاز به استفاده از هر ۴ ضمیر موصولی هستیم... که در اینجا *that* آمده است.

<sup>۴</sup> در امتحان شما، از جمله شرطی نوع اول، سوال نمی آید.

جملات شرطی دو بخش دارند: جمله واره شرط و نتیجه شرط. در شرطی نوع یک، جمله واره شرط (*if*دار) فعل زمان حال ساده، و در جمله نتیجه شرط فعل زمان آینده ساده (به همراه فعل کمکی *will*<sup>۵</sup>) می بینیم:

... آینده ساده ... + ... حال ساده ... If

\*نکته: می توان جای دو بخش جمله شرطی را تغییر داد.

You will pass the exam if you study hard.

+ **جمله شرطی نوع دوم**: در شرطی نوع دو، فعل های هر دو بخش جمله، به زمان گذشته هستند. در بخش جمله جواب شرط، از فعل کمکی *would* و *could* استفاده میکنیم.

They **would be** healthier if they **lived** in a village.

اگر در روستایی زندگی می کردند از سلامت بیشتری برخوردار بودند.

\*مثلاً فرق این دو تیپ جمله شرطی، از نظر معنایی پی هست!

جمله شرطی نوع یک به بیان احتمال رویدادی از حال تا آینده می پردازد اما باوجود اینکه جمله شرطی نوع دو نیز به بازه زمانی حال تا آینده مربوط می شود، (همانطور که از زمان فعل ها بر می آید) در مورد اتفاقی که غیر واقعی و غیر محتمل است، صحبت میکنند. (گذشته غیر واقعی = *unreal past*).

If my parents **were** here, I **would** ask her for help.

اگر والدینم اینجا بودند، من از آنها درخواست کمک می کردم. (در حال حاضر اینجا نیستند، لذا نمی تواند این درخواست را داشته باشد).

John **could** fix the car if he **were** home.

احمد میتوانست ماشین را تعمیر کند، اگر خانه بود. (خُب الان نیست!)

\*تذکر امتحانی: برای نشان دادن غیر واقعی بودن جمله شرطی نوع دوم، بجای *was* (اول شخص و سوم شخص مفرد) از *were* استفاده میکنیم.

If Rozhina **were (was)** here, I **could** ask her some questions.

اگر رژی‌نا اینجا بود، من میتوانستم از او تعدادی سوال بپرسم.

I **would** buy a house if I **were (was)** you.

من اگر جای تو بودم خانه ای می خریدم.

## گرامر درس سوم

۱. جمله مجهول، حاوی افعال وجهی ۲. زمان گذشته کامل

<sup>۵</sup> غالباً در جمله "نتیجه شرط"، از فعل وجهی *will* استفاده میکنیم. اما میتوان از *be going to* و *may* نیز استفاده کرد. (ویژه کنکور) / در نظر داشته باشید، که بعد از تمامی افعال وجهی، شکل ساده فعل بکار میرود. (بدون *-ing*, *-s*, *-ed*)

<sup>۶</sup> گذشته *will* و گذشته *can* (توانایی)

<sup>۷</sup> حالت مخفف *would* بصورت *'d* می باشد: *I'd ask for help.*...

## ۱. جمله مجهول، حاوی افعال وجهی:

اول اینکه **فسته نباشید** تا اینجای جزوه خوب اومدید پلو ... مطمئن باشید با فزودن همین مطالب از فلپا پلو زرین ولی باید به تلاشتون ادامه بدید ...

و دوم اینکه **ی غیر خوب دارم**... موضوع **جمله مجهول**، حاوی **افعال وجهی** رو بطور کامل تو درس اول، زمانی که داشتیم بحث جملات معلوم و مجهول رو بررسی میکردیم، در قالب یک نکته فاصله و جمع و جور کار کردیم و تمام!

پس بی معطلی، بریم سراغ موضوع بعدی، که آخرین بحث گرامری جزوه ما است ...

## ۲. زمان گذشته کامل:

گذشته کامل در زبان فارسی، معادل ماضی بعید است که نشان دهنده کاری در گذشته است که قبل از کاری دیگر در گذشته به پایان رسیده است.

**\*نکته:** عملی که زودتر انجام شده با گذشته کامل و عملی که بعداً انجام شده، با زمان گذشته ساده بیان می شود. به ساختار این نوع جملات دقت کنید:

### had + p.p. (Past Participle)

Joe **had studied** Chinese before he moved to China.

جو قبل از رفتن به چین، زبان چینی را **آموخته بود**.

All plants in the garden were yellow because it **hadn't rained**.

همه گیاهان باغچه زرد بودند زیرا **باران نباریده بود**.

When I arrived at the party, my grandparents **had gone**.<sup>۸</sup>

وقتی به مهمانی رسیدم، پدربزرگ و مادربزرگم **رفته بودند**.

I **had finished**<sup>۹</sup> studying the book before you called me.

قبل از اینکه با من تماس گرفتی، مطالعه کتاب را **تمام کرده بودم**.

مباحث گرامری کتاب پایه دوازدهم تا اینجا تمام می شود... اما برای یادآوری و آموختن هرچه بهتر، هر دو زمان **گذشته کامل و حال کامل**، قسمت یادآوری را نیز مطالعه نمایید:

**\*یادآوری حال کامل:** این زمان برای بیان کاری است که در گذشته

شروع شده و زمان حال ادامه داشته است و یا اینکه تمام شده، اما اثر آن کار هنوز باقی مانده است. به ساختار این زمان دقت کنید:

### Have/Has + p.p. (Past Participle)

**\*نکته:** تفاوت حال کامل با گذشته کامل در ساختار، ساده است. به فعل

کمکی جمله دقت کنید؛ Have برای جمع و Has برای مفرد استفاده می شوند، که عملاً یک معنا دارند و برای زمان حال استفاده می شوند و زمان

گذشته آن ها مشترک و فعل کمکی Had است که آن را در ساختار گذشته به کار می بریم.

Technology **has influenced** the lives of people in this century.

تکنولوژی، زندگی مردم این قرن را **تحت تاثیر قرار داده است**.

Erfan and Ehsan **have started** a business.

عرفان و احسان یک کسب و کار را **شروع کرده اند**.

\*به قید های استفاده شده در مثال زیر دقت کنید:

I **ve'known** them **since** 2008.

من آن ها را از سال ۲۰۰۸ **می شناسم**.

He **hasn't got** a job **yet**.

او هنوز کاری **پیدا نکرده است**.

Have they **ever traveled** to Madrid?

آیا تا به حال به مادرید **سفر کرده اند**؟

<sup>۱۰</sup> مطالعه (حال کامل) اختیاری است. صرفاً برای مرور و یادآوری مطرح شده است.

<sup>۱۱</sup> مختصر I have.

<sup>۱۲</sup> با استفاده از since این مفهوم را می رسانیم که از یک زمانی در گذشته اتفاقی افتاده و تا الان ادامه دارد.

<sup>۸</sup> یکی از کاربردهای گذشته کامل، بیان علت است. علت: نباریدن باران < معلول:

زرد شدن گیاهان باغچه

<sup>۹</sup> در اینجا I had به صورت مختصر I'd نوشته شده است. می توانیم هم به صورت

کامل و هم به صورت مختصر آن را بکار

ببریم:

## دو نکته طلایی:

**\*نکته ۱:** حتما قبل از حرف ربط از ویرگول (,) استفاده کنید.

**\*نکته ۲:** برای جلوگیری از تکرار شدن اسم ها، میتوانید از ضمیر استفاده کنید و همچنین میتونید بخش هایی از جمله بعد از کلمه ربط را به قرینه لفظی حذف کنید. (بجز so که فاعل مشترک بعد از آن حذف نمی شود).<sup>۱۴</sup>

1) We went to the park yesterday, **and** we had a wonderful time.

(۱) دیروز به پارک رفتیم **و** اوقات خوشی را سپری کردیم.

2) Behnam's family went to the zoo last week, **but** they did not enjoy it.

(۱) خانواده بهنام هفته گذشته به باغ وحش رفتند ، **اما** آنها از آن لذت نبردند.

3) Susan has a pink dress, **but** she never wears it.

(۳) سوزان لباس صورتی دارد **اما** هرگز آن را نمی پوشد.

4) My mother doesn't like fast food, **so** she doesn't eat any.

(۴) مادرم فست فود را دوست ندارد ، **بنابراین** هیچ فست فودی نمی خورد.

5) I go out tonight, **or** I take a rest.

(۵) امشب بیرون می روم ، **یا** استراحت می کنم.

6) We can eat our lunch at the restaurant, **or** we can have it at home.

(۶) می توانیم ناهار خود را در رستوران بخوریم **یا** آن را در خانه بخوریم.

## ۲. پاراگراف (بند) شناسی:

کتاب درسی، توی درسی دوم و سوم اومره، ویژگی ها، ابزار و عملکرد پاراگراف یا همون بند فورمون رو بصورت کاملاً پریکلی! و پراکنده توضیح داده ... و من لازم دونستم که همه مطالب رو بصورت لقمه ای! و جامع براتون بیان کنم، که فایالتون از بابت پهار نمره امتحان راحت باشه! (فیلیا پون خوب یادگرفت، این بخش امتحانو رد میکنن ها!). بریم که داشته باشیم ... :

پاراگراف چیست؟

پاراگراف گروهی از جملات درباره یک ایده است. یک پاراگراف می تواند:

(۱) به ما اطلاعات بدهد ، (۲) نظری را با ما منتقل کند ، (۳) چیزی را برای ما توضیح و شرح دهد ، یا (۴) یک داستان کوتاه برای ما تعریف کند. هر جمله در یک پاراگراف در مورد همان ایده است. و طبیعتاً وقتی می

He was rich, but ~~(he was)~~ impolite

<sup>۱۵</sup> البته این ۴ نمره، مربوط به هر دو موضوع writing، یعنی کلمات ربط و پاراگراف شناسی می شود.

## WRITING

تمامی نکاتی که شما برای پاسخ دادن به سوالات writing امتحان نهایی، لازم دارید.

### ۱. کلمات ربط:

در دروس پایه خواندید که هر جمله باید حداقل یک فاعل و یک فعل داشته باشد. همچنین جمله ای، جمله ساده خوانده می شود. جمله ای با بیشتر از یک فاعل، با بیشتر از یک فعل و یک کلمه ربط مثل and, or, but, so ، یک جمله مرکب خوانده می شود.

در درس اول پایه دوازدهم، کتاب درسی، ۴ کلمه ربط را<sup>۱۳</sup> به ما معرفی کرده است: and, or, but, so که هر کدام کاربرد و معنای خاصی خود را دارند. و شما هم باید این کاربرد ها رو عالی یاد بگیرید، چونکه سوال تشریحی ارزش میار ... ولی خیلی سارس، با من همراه باش!

۱. کلمه ربط **and** به معنای (و)، دو عمل مشابه و یا دو احساس مشابه را بهم وصل میکند. عبارت دیگر برای افزودن اطلاعات بیشتری به جمله اول از and استفاده میکنیم.

I get up early in the morning, **and** I make an omelet myself.

من صبح زود بلند می شوم **و** خودم املت درست می کنم.

۲. کلمه ربط **but** به معنای (اما، ولی)، نشان دهنده تضاد و یا تفاوت مفهوم دو جمله با یکدیگر است.

The book was boring, **but** Tom had to read it.

این کتاب خسته کننده بود ، **اما** تام مجبور بود آن را بخواند.

۳. کلمه ربط **or** به معنای (یا)، نشان دهنده ۲ گزینه یا ۲ انتخاب متفاوت است.

You should do your homework, **or** you should wash the dishes.

شما باید تکالیف خود را انجام دهید ، **یا** باید ظرف ها را بشوید.

۴. کلمه ربط **so** به معنای (پس، بنابراین، سپس)، برای نشان دادن اینکه جمله دوم، در نتیجه جمله اول است، مورد استفاده قرار میگیرد.

Saeed studied hard for the exam, **so** he passed it.

سعید برای امتحان سخت درس خواند ، **بنابراین** در آن قبول شد.

<sup>۱۳</sup> از من نشنیده بگیرین ... بهشون میگین: (حروف ربط هم پایه ساز... چون دو جمله هم پایه و یکسان رو بهم وصل میکنند).

<sup>۱۴</sup> برای مثال، فاعل و فعل جمله زیر بعد از کلمه ربط، می توانند به قرینه لفظی حذف شوند(ی بار تو جمله اول اومدن دیگه!):

Energy is important. Without it, we would have a harder time because most of our activities like cooking a dinner, heating a house, lighting a street, keeping a hospital open, running a factory all require energy. It is thus at the heart of everybody's life.

انرژی مهم است. بدون آن، ما زمان سخت تری خواهیم داشت زیرا بیشتر

فعالیت های ما مانند پختن شام، گرمایش خانه، روشنایی خیابان، باز نگه داشتن بیمارستان، راه اندازی کارخانه همه به انرژی نیاز دارند.

بنابراین در قلب زندگی همه قرار دارد.

۲ تمرین بسیار احتمالی:

الف) جمله های زیر را مرتب کنید. سپس آنها را به ترتیب صحیح بنویسید تا یک پاراگراف تشکیل شود.

1) In order of distance from the Sun, the planets are Mercury, Venus, Earth, Mars, Jupiter, Saturn, Uranus, Neptune and Pluto.

2) The Solar System consists of the Sun, Moon and Planets.

3) The Sun is at the centre of the Solar System and these planets revolve around it.

4) The Sun is the largest member of the Solar System.

+پاسخ: ترتیب صحیح این ۴ جمله بصورت روبرو است: 2-1-3-4 :

The Solar System consists of the Sun, Moon and Planets. In order of distance from the Sun, the planets are Mercury, Venus, Earth, Mars, Jupiter, Saturn, Uranus, Neptune and Pluto. The Sun is at the centre of the Solar System and these planets revolve around it. The Sun is the largest member of the Solar System.

ب) جملات زیر از یک پاراگراف در هم ریخته انتخاب شده است. آنها را به گونه ای مرتب کنید که یک پاراگراف معنا دار شکل گیرد.<sup>۱۸</sup>

- They also cause rain.
- The rain makes the air fresh and clean.
- Trees are very valuable.
- Thus, trees play a big and important role in our life.
- They supply us with many necessary things of everyday life.
- For example, they take carbon dioxide from the atmosphere and fill it with oxygen

+پاسخ: ترتیب صحیح این 6 جمله بصورت روبرو است: c-e-f-a-b-d

Trees are very valuable. They supply us with many necessary things of everyday life. For example, they take carbon dioxide from the atmosphere and fill it

<sup>۱۸</sup> جملات ارتباط معنایی بسیار ساده ای باهم دارند و براحتی میتوانید به این تیپ از سوالات پاسخ دهید، اگر و فقط اگر! به کلماتی مثل for example, also, thus توجه کنید.

خواهید در مورد یک ایده جدید بنویسید، یک پاراگراف جدید را شروع کنید.

تا اینجا با پاراگراف آشنایی عمومی پیدا کردیم، در مرحله بعد میریم سراغ فرمت کلی پاراگراف :

پاراگراف ها شکل خاصی دارند. در هر پاراگراف، جملات

با هم گروه شده اند آنها یکی پس از دیگری می آیند. دقت کنید که

جملات در یک پاراگراف با حرف بزرگ شروع می شوند(حرف اول کلمه اول

جمله، بزرگه !!) علاوه بر بزرگ بودن حرف اول، معمولاً یک تورفتگی هم در

ابتدای هر پاراگراف دیده می شود. و در نهایت این جملات، با یک نقطه (.)

علامت سوال (؟) یا علامت تعجب (!) به پایان می رسند.

اما مهم ترین بخش این درسنامه، شناختن اجزای پاراگراف است...

## 1. Topic Sentence

## 2. Supporting Sentence / 3. Concluding Sentence

+با اولین مورد، یعنی **Topic Sentence** شروع میکنیم:

این جمله که مهم ترین جمله در پاراگراف نیز هست، غالباً در ابتدای

پاراگراف می آید اما بعضی مواقع در آخر و یا جاهای دیگری از پاراگراف

دیده می شود.

این جمله، یک بخش **topic** و یک بخش **controlling idea** دارد.

**Topic** همان فاعل جمله یا آن چیزی است که جمله به آن مربوط می

شود و بخش دوم همانطور که از نامش مشخص است، به بیان ایده مرتبط

با همان فاعل می پردازد. برای درک بهتر، به **topic sentence** زیر که

از ابتدای یک پاراگراف جدا شده است، توجه کنید:

Art is what people create with imagination and skill.

**topic** **controlling idea**

هنر همان چیزی است که مردم با تخیل و مهارت خلق می کنند.

+دومین بخش پاراگراف، **supporting sentence** :

جملات پشتیبان (ساپورت)، بعد از جمله موضوع(تاپیک) می آیند. این

جمله ها می توانند:

(۱) ایده در جمله موضوع را توضیح دهند.

(۲) دلیل بیاورند. (۳) مثال بزنند.

(۴) یک داستان کوتاه بگویند.

+ و نهایتاً بخش آخر یک پاراگراف یا همان **concluding**

**sentence**:

آخرین جمله در یک پاراگراف اغلب یک جمله نتیجه است. این جمله ایده

جمله موضوع(تاپیک) را تکرار می کند.

\*تذکر: همه پاراگراف ها، جمله نتیجه ندارند!

برای تثبیت مطالب بالا و به خصوص اجزای جمله، به تحلیل متن زیر

توجه کنید:

<sup>۱۶</sup> اهمیت آن بدلیل بیان ایده کلی متن است.

<sup>۱۷</sup> این دوتارو با هم اشتباه نگیرین! **Topic** بخشی از **topic sentence** هست!



Lap (n.) ..... دامان (ادبی)

قسمتی از بالای پای یک فرد نشسته

My little sister sits on my mother's lap all the time.

خواهر کوچک من تمام وقت در دامان مادرم می نشیند.

burst into tears ..... ترکیدن بغض، یهو زیر گریه زدن

Definition: to cry suddenly

Aida burst into tears when she saw her score.

آیدا با دیدن نمره اش زد زیر گریه!

Repeatedly (adv.) ..... مکرراً، بارها و بارها

Definition: many times

I've told Mohsen repeatedly to talk politely to his teachers.

من بارها و بارها به محسن گفته ام که با معلمانش مودبانه صحبت کند.

Forgive (v.) ..... بخشیدن، عفو کردن

Definition: to stop being angry with someone

Mom forgave me for breaking the vase.

مادر من را برای شکستن گلدان بخشید.

Calmly (adv.) ..... با آرامش، به آرامی

Definition: in a quiet way

He always speaks slowly and calmly.

او همیشه آهسته و با آرامش صحبت می کند.

Diary (n.) ..... دفترچه خاطره

Definition: a book in which you record your thoughts or feelings or what has happened every day.

I have kept a diary for twelve years.

دوازده سال دفتر خاطرات را نگه داشته ام.

Abroad (adj.) ..... خارج از کشور

he went abroad to study medicine

او برای تحصیل پزشکی به خارج از کشور رفت

Appreciation (v.) ..... قدردانی کردن، تشکر کردن

she feels that he does not appreciate her.

او احساس می کند که او از او قدردانی نمی کند.

with oxygen. They also cause rain. The rain makes the air fresh and clean. Thus, trees play a big and important role in our life.

درختان بسیار ارزشمند هستند. آنها بسیاری از موارد ضروری زندگی

روزمره را برای ما فراهم می کنند. به عنوان مثال، آنها دی اکسید کربن را

از جو گرفته و آن را با اکسیژن پر می کنند. همچنین باعث بارندگی می

شوند. باران هوا را تازه و تمیز می کند. بنابراین، درختان نقش بزرگ و

مهمی در زندگی ما دارند.

## واژگان درس اول

Pigeon (n.) ..... کبوتر

My grandfather feeds the pigeons in the park every morning.

پدربزرگم هر روز صبح در پارک، به کبوترها غذا می دهد.

Sofa (n.) ..... کاناپه، مبل

Hamid sits on the sofa and watches TV all the time.

حمید روی مبل می نشیند و تمام وقت تلویزیون تماشا می کند.

hard of hearing (n. adj.) ..... کم شنوا

We have to speak louder, because my grandmother is hard of hearing.

ما باید بلندتر صحبت کنیم، زیرا مادربزرگ من کم شنوا است.

Shout (v.) ..... داد زدن، فریاد زدن

Dad really shouted at me when I didn't do my homework.

وقتی من تکالیف خود را انجام ندادم، پدر واقعاً بر من فریاد زد.

Born (v.) ..... بدنیا آمدن

Ferdowsi was born in a village near Toos.

فردوسی در روستایی نزدیک طوس به دنیا آمد.

Hug (v.) ..... بغل کردن، در آغوش گرفتن

My uncle went to his son and hugged him.

عموی من پیش پسرش رفت و او را در آغوش گرفت.

**Function (n.)** ..... کارکرد، عملکرد

Taking care of grandchildren increases brain **function** and memory.

مراقبت از نوه ها عملکرد مغز و حافظه را افزایش می دهد.

**Generation (n.)** ..... تولید، نسل

Question **generation** is a reading comprehension strategy.

تولید سوال یک استراتژی درک مطلب است.

**Lower (v.)** ..... پایین آوردن، کاهش یافتن

**Helping others lowers blood pressure.**

کمک به دیگران باعث کاهش فشار خون می شود.

**Orally (adv.)** ..... شفاهی، گفتاری

Answer the following questions **orally**.

به سوالات زیر به صورت شفاهی پاسخ دهید.

**Pain (n.)** ..... درد، زحمت، تلاش

He spared no **pains** to cure sick children.

او برای درمان کودکان بیمار از هیچ تلاشی فروگذار نکرد.

**Physician (n.)** ..... پزشک

it might be interesting to know that your **physician** was one of Dr. Gharib's students!

شاید جالب باشد که بدانید پزشک شما از دانشجویان دکتر غریب بود!

**Religious (adj.)** ..... مذهبی، دینی

Hafez received **religious** education in his childhood.

حافظ در کودکی تحصیلات دینی را فرا گرفت.

**Reply (v.)** ..... پاسخ دادن، جواب دادن

I **replied** to him all 15 times that it was a pigeon.

من هر ۱۵ بار به او پاسخ دادم که کبوتر است.

**Respect (v.)** ..... احترام گذاشتن

Children must love elderly people, **respect** them, and care for them.

کودکان باید افراد مسن را دوست داشته باشند، به آنها احترام بگذارند و از آنها مراقبت کنند.

**Boost (v.)** ..... افزایش دادن، بالا بردن

Kindness **boosts** energy and strength in elderly people.

مهربانی باعث افزایش انرژی و قدرت در افراد مسن می شود.

**care for (v.)** ..... مراقبت کردن از

We must **care for** those who once **cared for** us.

ما باید از کسانی که روزگاری از ما مراقبت می کردند مراقبت کنیم.

**Childhood (n.)** ..... دوران بچگی، کودکی

Hafez received religious education in his **childhood**.

حافظ در کودکی تحصیلات دینی را فرا گرفت.

**Collocation (n.)** ..... همایند

A **collocation** is two or more words that often go together.

یک همایند، دو یا چند کلمه است که اغلب با هم ترکیب می شوند.

**Dedicated (adj.)** ..... متعهد، فداکار

Not surprisingly, he was regarded as a **dedicated** physician.

جای تعجب نیست که او به عنوان یک پزشک متعهد شناخته می شد.

**Distinguished (adj.)** ..... برجسته، ممتاز

Dr.Gharib was known as a **distinguished** university professor.

دکتر غریب به عنوان استاد برجسته دانشگاه شناخته می شد.

**Donate (v.)** ..... اهدا کردن

We can help many people by **donating** what they need.

ما می توانیم با اهدای آنچه نیاز دارند به بسیاری از افراد کمک کنیم.

**Elderly (n.)** ..... مسن، سالخورده

Kindness boosts energy and strength in **elderly** people.

مهربانی باعث افزایش انرژی و قدرت در افراد مسن می شود.

**Found (v.)** ..... تأسیس کردن

In 1347 this center was **founded** by Dr. Gharib and one of his close friends.

در سال ۱۳۴۷ این مرکز توسط دکتر غریب و یکی از دوستان نزدیک وی تأسیس شد.

App (n. abbr.) ..... برنامه (مخفف اپلیکیشن)

And also there are some free dictionaries for PCs and apps for smart phones.

و همچنین برخی دیکشنری های رایگان برای رایانه های شخصی و برنامه ها برای تلفن های هوشمند وجود دارد.

Arrange (v.) ..... مرتب کردن، سازمان دهی کردن

**Definition:** to put things in a neat, attractive, or useful order.

We'll need to **arrange** the chairs around the table.

باید صندلی ها را دور میز مرتب کنیم.

Average (n. adj.) ..... متوسط

They kill an **average** of forty people every year.

آنها سالانه به طور متوسط چهل نفر را می کشند.

Bilingual (n.) ..... دو زبانه

A **bilingual** dictionary

فرهنگ لغت دو زبانه

Combination (n.) ..... ترکیب

**Definition:** an arrangement in a particular order.

From the letters X and Y, we can get two

**combinations:** XY and YX.

از حروف X و Y می توان دو ترکیب XY و YX بدست آورد.

Communicative (adj.) ..... اهل ارتباط . اجتماعی

He wasn't very **communicative** and kept to himself.

او خیلی اهل ارتباط (اجتماعی) نبود و سرش تو لاک خودش بود.

Compile (v.) ..... تالیف کردن، گردآوری کردن ، تدوین کردن

The first Persian dictionary which is still published was **compiled** more than 900 years ago.

اولین فرهنگ لغت فارسی که هنوز منتشر می شود بیش از ۹۰۰ سال

پیش تدوین شده است.

Complicated (adj.) ..... پیچیده

understanding the meaning of **complicated** words

درک معنای کلمات پیچیده

Sense (n.) ..... حس، احساس . مفهوم

This heritage and history brings a **sense** of belonging.

این میراث و تاریخ، احساس تعلق خاطر را به همراه دارد.

Spare (v. n.) ..... دریغ کردن، فروگذاریدن . زاپاس

She **spare** no pain in helping elderly people.

او در کمک به افراد مسن از هیچ تلاشی دریغ نمی کند.

Suddenly (adv.) ..... ناگهان

**Suddenly** a pigeon sat on the window.

ناگهان یک کبوتر روی پنجره نشست.

Temperature (n.) ..... دما

While the nurse is taking her **temperature**, they start talking.

در حالی که پرستار در حال گرفتن دمای بدن او است ، آنها شروع به صحبت می کنند.

## واژگان درس دوم

Abbreviation (n.) ..... مخفف، اختصار

Use **abbreviations** and symbols.

از اختصارات و نمادها استفاده کنید.

Accidentally (adv.) ..... بطور تصادفی، بطور اتفاقی

Penicillin, for instance, was discovered quite **accidentally** when Alexander Fleming was working on bacteria.

به عنوان مثال ، پنی سیلین کاملاً تصادفی زمانی کشف شد که الکساندر

فلمنینگ روی باکتری کار می کرد. به بقیه کلمات نا آشنا هم ی کوشه چشمی داشته باشین!

Advanced (adj.) ..... پیشرفته

there are usually three levels for dictionaries: elementary, intermediate and **advanced**.

معمولاً سه سطح برای فرهنگ لغت ها وجود دارد: ابتدایی ، متوسط و

پیشرفته.

try to learn 'words in combination' to **expand** your vocabulary.

سعی کنید "کلمات ترکیبی" را یاد بگیرید تا واژگان خود را توسعه دهید.

**figure out (v.)** ..... متوجه شدن، فهمیدن

Mehran couldn't **figure out** what the teacher was talking about.

مهران نتوانست بفهمد معلم درباره چه چیزی صحبت می کند.

One way to **figure out** the meaning of an unknown word is to look for its relationship with other words in the same family.

یکی از راه های فهمیدن معنی یک کلمه ناشناخته جستجوی رابطه آن با کلمات دیگر در یک خانواده است.

**Guide (v.)** ..... راهنمایی کردن . راهنما

**Read the Guide Words.** These are the two words at the top of each page that show the first and last entries on the page.

کلمات راهنما را بخوانید. این دو کلمه در بالای هر صفحه هستند که مدخل های اول و آخر صفحه را نشان می دهند.

**Highlight (v. n.)** ..... روشن کردن . برجسته کردن . نکات

برجسته

One way to remember what you have read is to **highlight** important information.

یکی از راه های به خاطر سپردن مطالبی که خوانده اید برجسته سازی اطلاعات مهم است.

**Identify (v.)** ..... شناسایی کردن، شناختن، تشخیص دادن

first **identify** your needs ابتدا نیازهای خود را شناسایی کنید

**Immediately (adv.)** ..... فوراً، بلافاصله

If you **immediately** jump into using the dictionary without understanding the pronunciation guide, it can be difficult to figure it out.

اگر بلافاصله بدون درک راهنمای تلفظ به استفاده از فرهنگ لغت بپردازید، تشخیص آن دشوار است.

**Intermediate (n.)** ..... متوسط

He is an **intermediate** student

او یک دانش آموز (با سطح) متوسطی است.

**Confusing (adj.)** ..... گیج کننده

This can be **confusing** if you do not know what the abbreviations stand for.

اگر شما نمی دانید آن مخفف چیست، این می تواند گیج کننده باشد.

**Contain (v.)** ..... شامل شدن، حاوی بودن، داشتن

Try to avoid foods that **contain** a lot of fat.

سعی کنید از غذاهایی که چربی زیادی دارند خودداری کنید.

**Definition (n.)** ..... تعریف

A good dictionary gives the user information about words such as spellings, pronunciations and **definitions**.

یک فرهنگ لغت خوب در مورد کلماتی مانند هجی، تلفظ و تعاریف به کاربر اطلاعات می دهد.

**Effectively (adv.)** ..... بطور موثر

**Definition:** in a way that is successful and achieves what you want.

+If you know how to study more **effectively**, you'll be able to learn more.

+اگر بدانید چگونه به طور موثرتری مطالعه کنید، می توانید بیشتر بیاموزید.

+In this lesson, we provide you with some helpful tips on how to use a dictionary **effectively**.

+در این درس، ما چند نکته مفید در مورد نحوه استفاده موثر از فرهنگ لغت به شما ارائه می دهیم.

**Elementary (n.)** ..... ابتدایی، مقدماتی

**Elementary level**

سطح مقدماتی

**Endanger (v.)** ..... به خطر انداختن

The pollution is **endangering** the crops.

آلودگی در حال به خطر انداختن محصولات است.

**Entry (n.)** ..... مدخل واژگانی

I circled the dictionary **entry** for the word 'purpose'.

دور مدخل واژگانی فرهنگ لغت را برای کلمه "هدف" خط کشیدم.

**Essential (adj.)** ..... لازم، ضروری

Therefore, it is **essential** to know how to use a dictionary.

بنابراین، دانستن نحوه استفاده از فرهنگ لغت ضروری است.

**Expand (v.)** ..... بسط دادن، توسعه دادن، گسترش دادن

**Monolingual (n.)** ..... تک زبانه

A **monolingual** dictionary ..... فرهنگ لغت تک زبانه

**Offer (v. n.)** ..... پیشنهاد دادن . پیشنهاد . فراهم کردن ،

ارائه دادن

Online dictionaries **offer** immediate, direct access through large databases.

دیکشنری های آنلاین دسترسی فوری و مستقیم را از طریق پایگاه های بزرگ فراهم می کنند.

**Origin (n.)** ..... منشأ ، منشأ

Words **origins** ..... منشأ کلمات

**part of speech** ..... نقش (واژه، عبارت) در جمله

what is this word's **part of speech**?

نقش این واژه در جمله چیست؟

**PC (n. abbr.)** ..... (مخفف) کامپیوتر شخصی

And also there are some free dictionaries for **PCs** and apps for smart phones.

و همچنین برخی دیکشنری های رایگان برای رایانه های شخصی و برنامه ها برای تلفن های هوشمند وجود دارد.

**Poem (n.)** ..... شعر

Hafez's collection of his **poems** is called Divan.

مجموعه شعرهای حافظ دیوان نام دارد.

**Pronunciation (n.)** ..... تلفظ

A good dictionary gives the user information about words such as spellings, **pronunciations** and definitions.

یک فرهنگ لغت خوب در مورد کلماتی مانند هجی ، تلفظ ها و تعاریف به کاربر اطلاعات می دهد.

**Publish (v.)** ..... نشر کردن، منتشر کردن، چاپ کردن

The first Persian dictionary which is still **published** was compiled more than 900 years ago.

اولین فرهنگ لغت فارسی که هنوز منتشر می شود بیش از ۹۰۰ سال پیش تدوین شده است.

**Introduction (n.)** ..... مقدمه

**Definition:** the part at the beginning of a book that gives a general idea of what it is about.

+This book has only a two-page **introduction**.

این کتاب فقط یک مقدمه دو صفحه ای دارد.

**Issue (n.)** ..... موضوع، مساله

This section explains **issues** like how entries are arranged.

در این بخش موضوعاتی از قبیل چگونگی چیدمان مدخل ها (ورودی ها) توضیح داده می شود.

**jump into (v.)** ..... جهش کردن به، پریدن به،

(یهو! تصمیم گرفتن برای) پرداختن به کاری.

**Definition:** to suddenly decide to do something.

+I did not read the introduction and **jumped into** the next part.

مقدمه را نخواندم و یهو تصمیم گرفتم که به قسمت بعدی بروم.

**Letter (n.)** ..... حرف . نامه

These words will help you find the word you are looking for in the right **letter** section.

این کلمات به شما کمک می کنند کلمه مورد نظر خود را در قسمت حرف صحیح پیدا کنید.

**Look up (v.)** ..... جستجو کردن یک لغت در فرهنگ لغت

**Looking up** the Persian meaning of "actions speak louder than words"

جستجوی معنای فارسی "به عمل کار بر آید به سخندانی نیست" در فرهنگ لغت.

**Louder (adj.)** ..... بلند تر

**Louder voice**

صدای بلندتر

**magnifying glass (n.)** ..... ذره بین

The size of the smallest dictionary in the world is about 27×18 mm<sup>1</sup> which needs to be read with a **magnifying glass**.

اندازه کوچکترین فرهنگ لغت در جهان حدود ۲۷ × ۱۸ mm<sup>1</sup> است که باید با ذره بین آن را بخوانید.

**Balcony (n.)** ..... بالکن

My uncle often sits in the **balcony**, has a cup of coffee and reads a book.

عموی من اغلب در بالکن می نشیند ، یک فنجان قهوه می نوشد و کتاب می خواند.

**Blow (v. n.)** ..... دمیدن، وزیدن . فوت

the wind is **blowing** outside

بیرون، باد در حال وزیدن است.

**Bulb (n.)** ..... لامپ حبابی

LED light **bulbs** use 75% less energy and last 10 times longer than string light bulbs.

لامپ های 75 % LED حبابی، انرژی کمتری مصرف می کنند و ۱۰ برابر بیشتر از لامپ های رشته ای عمر می کنند.

**Coal (n.)** ..... زغال سنگ

Oil, **coal** and natural gas are three common fossil fuels.

نفت ، زغال سنگ و گاز طبیعی سه سوخت فسیلی رایج هستند.

**Collect (n.)** ..... جمع آوری کردن

These are solar collectors that **collect** heat by absorbing sunlight and producing solar power.

اینها کلکتورهای خورشیدی هستند که با جذب نور خورشید و تولید انرژی خورشیدی گرما جمع آوری می کنند.

**Consume (v.)** ..... مصرف کردن

The new light bulbs **consume** less electricity.

لامپ های جدید، برق کمتری مصرف می کنند.

As a result, fewer fossil fuels are **consumed** each year and they are saved for the future generations.

در نتیجه ، هر ساله سوخت های فسیلی کمتری مصرف می شود و برای نسل های بعدی صرفه جویی می شود.

**Convert (v.)** ..... تبدیل کردن

**Definition:** to change in form or character.

+The sofa **converts** into a bed.

+مبل تبدیل به تخت تبدیل می شود.

+Water can be **converted** into ice in cold weather.

+آب در هوای سرد می تواند به یخ تبدیل شود.

**stands for (v.)** ..... مخفف

I.R. **stands for** Islamic Republic.

I.R. مخفف جمهوری اسلامی است.

**Suppose (v.)** ..... فرض کردن، (فکر کردن)

I **suppose** a monolingual dictionary is more suitable for you.

من فکر می کنم فرهنگ لغت تک زبانه برای شما مناسب تر است.

**Symbol (n.)** ..... نماد

C is the **symbol** for carbon.

حرف C نماد کربن است. (دوستان شیمی بکین ببینم...عدد اتمی کربن چنده؟)

Its six! ... عدد اتمی کربن، ۶ عه!

**Tip (n.)** ..... نکته

we provide you with some helpful **tips** on how to use a dictionary effectively.

ما چند نکته مفید در مورد نحوه استفاده موثر از فرهنگ لغت به شما ارائه می دهیم.

## واژگان درس سوم

**Absorb (v.)** ..... جذب کردن

**Definition:** to take something in, especially gradually.

+Plants **absorb** carbon dioxide.

+گیاهان دی اکسید کربن را جذب می کنند.

**air conditioner (n.)** ..... تهویه هوا، کولر

They are natural air cooling systems and can be used instead of electrical **air conditioners**.

آنها سیستم های خنک کننده هوا طبیعی هستند و می توانند به جای تهویه های برقی استفاده شوند.

**Ancient (adj.)** ..... باستان، قدیمی، کهن

In **ancient** times the sky watchers found patterns of stars in the sky.

در دوران باستان ناظران آسمان الگوهای ستاره ای را در آسمان می یافتند.



**fossil fuels (n.)** ..... سوخت های فسیلی

Oil, coal and natural gas are three common **fossil fuels**.

نفت ، زغال سنگ و گاز طبیعی سه سوخت فسیلی رایج هستند.

**Generate (v.)** ..... تولید کردن

How might it be **generated** from wind?

چگونه ممکن است از باد تولید شود؟ (منظورش برقه!)

**Hydropower (n.)** ..... انرژی آبی

**Hydropower** or water power is produced as a result of falling or, running water.

انرژی آبی (یا انرژی آبی) در نتیجه افتادن یا جاری شدن آب تولید می شود.

**Kinetic (n.)** ..... جنبشی

Wind turbines convert the **kinetic** energy in the wind into mechanical power.

توربین های بادی انرژی جنبشی موجود در باد را به توان مکانیکی تبدیل می کنند.

**Nuclear (n.)** ..... انرژی هسته ای

Energy is the ability to do work. It can take a variety of forms: mechanical, electrical, chemical, and **nuclear**.

انرژی توانایی انجام کار است. این می تواند انواع مختلفی داشته باشد:

مکانیکی ، الکتریکی ، شیمیایی و هسته ای.

**Opposite (adj.)** ..... مخالف، ضد، بر عکس

A wind turbine works the **opposite** of a fan.

توربین بادی برعکس یک فن کار می کند.

**Pollute (v.)** ..... آلوده کردن

The factory has **polluted** the river.

این کارخانه رودخانه را آلوده کرده است.

**Produce (v.)** ..... تولید کردن

wind turbines are used to **produce** electricity from wind power.

توربین های بادی برای تولید برق از نیروی باد استفاده می شود.

**Radiation (n.)** ..... تشعشع، تابش

Solar energy is produced by the **radiation** that reaches the earth.

انرژی خورشیدی توسط تابشی که به زمین می رسد تولید می شود.

**Cost (v. n.)** ..... هزینه برداشتن . هزینه

Trees can lower the cooling **costs** of your home.

درختان می توانند هزینه های خنک کردن خانه شما را کاهش دهند.

**Demand (n.)** ..... تقاضا

**Definition:** the amount of a product or service that people want.

+Demand for organic food is increasing.

+تقاضا برای غذای ارگانیک در حال افزایش است.

**Environment (n.)** ..... محیط (زیست)

We get most of our energy from these fossil fuels, but this is harmful to the **environment**.

ما بیشتر انرژی خود را از طریق این سوخت های فسیلی به دست می

آوریم ، اما این برای محیط زیست مضر است.

**Experiment (n.)** ..... آزمایش

Microwave oven was invented during a scientist's **experiment** on energy.

اجاق مایکروویو در طی آزمایش دانشمندی در مورد انرژی، اختراع شد.

**for instance** ..... برای مثال

Iranians, **for instance**, use special designs and arrangements of windows, balconies and yards to get the most sunshine.

به عنوان مثال ، ایرانیان از طرح ها و چیدمان ویژه پنجره ها ، بالکن ها و حیاط ها برای گرفتن بیشترین آفتاب استفاده می کنند.

**Use up (v.)** ..... کامل مصرف کردن، تمام کردن چیزی

**Definition:** to finish something.

+Don't **use up** all the milk - we need some for breakfast.

+شیر را تمام نکنید (همشو بالا کشید!) - ما برای صبحانه به مقداری نیاز

داریم. (ماهم میفایم!)

**Forever (adv.)** ..... برای همیشه

**Definition:** for all time.

+No one can live **forever**.

+هیچ کس نمی تواند برای همیشه زندگی کند.

+Once we use them up, they're gone **forever**.

+زمانی که آنها را (سوخت های فسیلی) تمام کردیم، آنها برای همیشه از بین خواهند رفت.



String (n.) ..... رشته

LED light bulbs use 75% less energy and last 10 times longer than **string** light bulbs.

لامپ های 75 LED٪، انرژی کمتری مصرف می کنند و ۱۰ برابر بیشتر از لامپ های رشته ای عمر می کنند.

Tide (n.) ..... جزر و مد

**Definition:** the rise and fall of the sea.

+Here you can see two high and two low **tides** each day.

+در اینجا هر روز می توانید دو جزر و مد کوتاه و بلند، ببینید.

variety (n.) ..... تنوع، گوناگونی

**Definition:** many different types of things or people.

They do a **variety** of fitness activities.

آنها فعالیتهای گوناگونی متناسب با تناسب اندام را انجام می دهند.

Widely (adv.) ..... بطور وسیع، گسترده

Clean energy resources are **widely** used in many countries to keep cities and villages clean.

از منابع انرژی پاک به طور گسترده در بسیاری از کشورها برای تمیز نگه داشتن شهرها و روستاها استفاده می شود.

### ضرب المثل

1. God helps those who help themselves

از تو حرکت از خدا برکت

2. The early bird catches the worm

سحر خیز باش تا کامروا شوی

3. Birds of a feather flock together

کبوتر با کبوتر، باز با باز

4. Actions speak louder than words

به عمل کار بر آید به سخندانی نیست.

5. Practice makes perfect

کار نیکو کردن از پر کردن است.

6. Too many cooks spoil the broth

آشپز که دوتا شد، آش یا شور می شود یا بی نمک.

7. Easy come, easy go

باد آورده را باد می برد.

8. Two heads are better than one

هر سر عقلی دارد.

9. Don't count your chickens before they hatch

جوجه هارا آخر پاییز، می شمارند.

10. Out of sight, out of mind

از دل برود، هر آنکه از دیده برفت.

11. Cut your coat according to your cloth.

Reach (v.) ..... رسیدن به

Solar energy is produced by the radiation that **reaches** the earth.

انرژی خورشیدی توسط تابشی که به زمین می رسد تولید می شود.

Renewable energy (n.) ..... انرژی های تجدید پذیر

The main sources of **renewable energy** are wind, water and sun.

منابع اصلی انرژی های تجدیدپذیر باد، آب و خورشید هستند.

Replace (v.) ..... جایگزین کردن. قرار دادن

**Definition:** 1.to take the place of somebody or something.

+The factory **replaced** most of its workers with robots.

+این کارخانه بیشتر کارگران خود را با ربات جایگزین کرد.

**Definition:** 2.to put something back in the right place.

+She carefully **replaced** the china plate on the shelf.

+او با دقت بشقاب(ظرف) چینی را در قفسه قرار داد.

Resource (n.) ..... منبع

Iran is rich in oil **resources**.

ایران از نظر منابع نفتی غنی است.

Roof (n.) ..... سقف، پشت بام

Maybe you've seen buildings or houses with big shiny panels on the **roof**.

شاید شما ساختمانها یا خانه هایی با، صفحه های بزرگ براق در پشت بام، دیده باشید.

Solar (adj.) ..... خورشیدی، شمسی

The **Solar** System consists of the Sun, Moon and Planets.

منظومه شمسی از خورشید، ماه و سیارات تشکیل شده است.

Source (n.) ..... منبع

Renewable energy **sources** create three times more jobs than fossil fuels.

منابع انرژی تجدید پذیر سه برابر بیشتر از سوخت های فسیلی شغل ایجاد می کنند.

## مهارت شنیداری

برای پاسخگویی به سوالات مهارت شنیداری یا همان (listening) باید روی فایل های شنیداری کتاب کاملاً مسلط باشید. معمولاً متن های همین فایل های شنیداری یا مشابه شون توی امتحان نهایی تکرار می شن. پس فراموش نکنید که با اسکن کردن کیو آر کد زیر، فایل های شنیداری کتاب درسی رو دانلود کنید و چندین بار بهشون گوش بدین. (بعد از اسکن، از برنامه winrar برای باز کردن فایل استفاده کنید).

+ فایل شنیداری نمونه سوال آموزشی:



پایت را به اندازه گلیمت دراز کن.

12. A burnt child dreads the fire.

مار گزیده، از ریسمان سیاه وسفید می ترسد.

13. Kill two birds with one stone.

با یک تیر، دو نشان را زدن.

14. Don't look a gift horse in the mouth.

دندان اسب پیشکشی را نمی شمردند.

15. Absence makes the heart grow fonder.

دوری و دوستی.

16. Money doesn't grow on tree.

پول، علف خرس نیست.

17. There is no place like home.

هیچ جا، خونه خود آدم نمی شود.